



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن
The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 108

سری سوم، شماره ۱۰۸

November 2022

آبان / آذر ۱۴۰۱

سرپرست: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
E_mail: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei
E_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



Rahai Zan

مطالب

زن، زندگی، آزادی، جنبش آزادیبخش ایران
1401 مریم مرادی

انقلاب ۱۴۰۱ نوری شریفی

عروج مجدد جنبش دانشجویی، پرتوان و پر
خروش در سراسر ایران مصاحبه سازمان
رهایی زن با کاوه عباسی

نوامبر ۲۰۲۲، جهان شاهد بزرگترین مبارزه
بر علیه خشونت بر زنان است ۲۵
نظیره معماری

کادر درمان، قهرمانان مبارزه با کرونا، مورد
هجوم دستگاه سرکوب حکومت اسلامی
مصاحبه سازمان رهایی زن با پروانه عظیمی

بیانیه 26 تشکل مستقل زنان ایرانی به
مناسبت 25 نوامبر 2022 روز جهانی
مبارزه با خشونت علیه زنان

امید سرکش است مونا لیونس، برگردان
بفارسی از الف. ک.

گزارش 25 نوامبر، روز مبارزه با خشونت
علیه زنان "لندن" سونیا محمدی

گفتگو با شراره رضائی درباره انقلاب جاری
و مساله خشونت بر زنان در ایران با
تلویزیون برابری

برگزاری تظاهرات زنان افغان در کابل، در
آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی محو خشونت
علیه زنان

دومین سال متوالی است که زنان افغانستان
«روز جهانی محو خشونت علیه زنان» را در
زیر سلطه گروه طالبان، می‌گذرانند.

18 نوامبر، مقابل پارلمان نروژ، همایش در
حمایت از زندانیان سیاسی و جنبش ژینا،
زن، زندگی، آزادی
گزارش تصویری از فریبا رشیدی

"توضیحی کوتاه در مورد تجاوز در زندان
های سیاسی؛ شکنجه جنسی و تجاوز سیاسی
دکتر نور ایمان قهاری

♦ ستون ویژه خبری

گزارش سنانان از "شکنجه و خشونت
جنسی" معترضان بازداشت‌شده در ایران

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی،
آرشیو نشریه، تماس با ما

آزادی و برابری

این اعتراضات تا انقلاب سوم، تا آزادی و برابری، تا تغییر بنیادین وضع موجود سرباز ایستادن ندارد

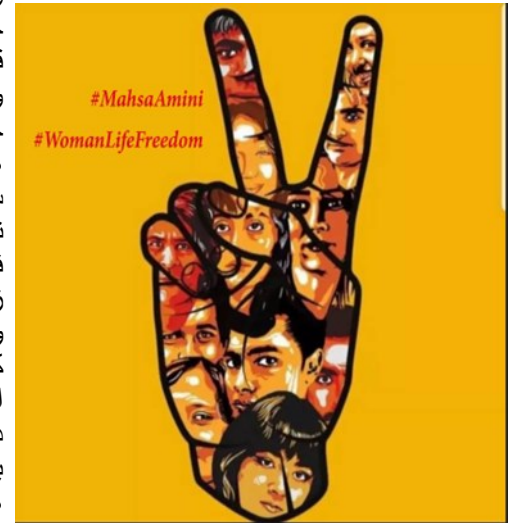


پیش به سوی آزادی
همه با هم... ۱۶ آذر

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

زن، زندگی، آزادی
جنبش آزادیبخش ایران ۱۴۰۱
مریم مرادی



بیش از یک ماه از جنبش سراسری مردم آگاه و بیدار در اعتراض به قتل عمد مهسا (ژینا) امینی به اتهام بد حجابی میگذرد اما گستره ی اتحاد و همبستگی این خیزش انقلابی هر روز وسیعتر شده و در سطح بین المللی نیز حمایت های بی نظیری به همراه داشته است. قلب تپنده این جنبش باشکوه حضور زنان و دختران جسور و شجاعی است که نقش تعیین کننده ای تحت نام " زن، زندگی، آزادی " را به همراه دارد.

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه ایران و اینکه در دستاوردهای انقلاب نقش اساسی و کلیدی داشتند، اولین نیرویی بودند که در هشتم مارس ۱۳۵۷ در یک تظاهرات عظیم برای اعتراض به حجاب اجباری، علیه حکومت متوحش و جنایتکار اسلامی به مبارزه برخاستند. رژیم مستبد اسلامی از فردای سر کار آمدنش جنایت علیه زنان را آغاز کرد و با تدوین ارتجاعی ترین قوانین ضد زن و تبعیض آمیز زنان را مورد سرکوبهای سیستماتیک و تبعیض جنسیتی قرار داد.

جنایت و سرکوب زنان با تدوین قوانین ارتجاعی زن ستیزانه حکومت استبداد اسلامی یکی از سیاه ترین دوران تاریخی را برای زنان ایران رقم زد. با وضع این قوانین بود که زنان از پایه ای ترین حقوق انسانی خویش محروم شدند. حق آزادی پوشش، حق کار، حق سفر، حق طلاق، حق حضانت کودکان و مسایل مربوط به ارث، جدا سازی وسایل عمومی نقلیه، جدا سازی مراکز آموزشی، منع شرکت زنان در رشته های تخصصی و تصویب قوانینی ارتجاعی از جمله کاهش سن ازدواج دختران به ۹ سالگی، همه اینها در مدت زمان کوتاهی با گسترش

سیاسی و اجتماعی ای دارد که همواره زنجیر بر دست و پای چهار نسل از زنان و دختران بوده و زمینه های تحول و تغییر برای چنین حرکت عظیمی را آماده نموده است.

زنان ایران در خیزش های دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ و همچنین در خیزش های خوزستان، اصفهان، بلوچستان و... نقش بسیار پررنگ و تاثیرگذارشان را در مبارزه علیه حکومت جنایتکار اسلامی ادا نمودند و با شعار " اصلاح طلب و اصولگرا دیگر تمومه ماجرا " اصل حاکمیت را نشانه گرفتند و البته در این راستا هم بهای سنگینی از زندان، شکنجه و اعدام پرداختند. در سالهای اخیر، نقش مبارزاتی زنان در صف های اول جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش معلمان، بازنشستگان، در حرکت های اعتراضی پرستاران بویژه در دوران پاندمیک کرونایی، در جنبش های دانشجویی و بخصوص در جنبش کارگری حمایت و یاری رساندن خانواده های کارگری بویژه نقش زنان در حمایت از اعتصابات و اعتراضات کارگری جزء مبارزات درخشان زنان علیه نابرابری و کسب مطالبات و خواست هایشان بوده است. از بستر این مبارزات پرتوان زنان در زیر سایه سیاه استبداد اسلامی سرکوب گر و زن ستیز، نه فقط محرکه اصلی خیزش " زن، زندگی، آزادی " را رقم زده بلکه به دنیا هم ثابت نموده که هیچ نظام دیکتاتوری به راحتی نخواهد توانست بر نیمی از جمعیت یک جامعه خط بطلان بکشد.

با افتخار ، زنان و دختران جسور و هشیار امروز در ایران، مصمم تر از هر زمان دیگر بر این مساله مهم آگاهند که در میدان مبارزه بودن و حرکت جمعی ست که میتوانند آزادی را بدست آورند و در همه لحظه های مبارزاتی خود به همراه مردان آگاه و دلیر ایران پیش می روند. در صف مقدم مبارزه مشت بلند کرده و برای آزادی خود و جامعه فریاد می زنند و تعرضات نیروهای انتظامی ، اراذل و اوباش و مزدوران رژیم را دفع می کنند. در دل این مبارزه عظیم است که در کنار مطالبات دیگر حجاب اجباری را با برافکندن روسری ها و آتش زدن آن به نمایش می گذارند. در این روزهای تاریخ ساز، تمام دنیا نظاره گر اراده و شجاعت زنان آزاده ایران را در تغییر سرنوشت خود شاهدند و همراهی و همصدایی با قیام سرنوشت ساز زنان و دختران ایران را بر خود ضروری میدانند. زنان با عزمی راسخ در کنار مردان آزاده با مبارزه ایی وصف ناپذیر، برای دفع هر نوع ظلم و ستم جنسیتی و ... ادامه در ص ۱۶

ضرب و شتم و اعدام و سنگسار با قساوت تمام بر زنان تحمیل شد.

بی توجهی به نیازها و خواست های انسانی و پایه ای زنان روز به روز افزایش یافت از جمله : فقر و گرسنگی، آسیب های اجتماعی، قتل های ناموسی، کودک همسری، خودکشی و اعتیاد زنان، زنان خیابان خواب یا کارتن خواب ، رحم اجاره ای و هزاران پدیده های ناهنجار اجتماعی که در زیر سایه ۴۴ سال حکومت جنایتکار و فاسد اسلامی بر نیمی از جمعیت جامعه شدت یافت. تن فروشی و تجارت سکس و همچنین صدور زن یا دختر به کشورهای همسایه نیز از وجود نامبارک این حکومت ضد انسانی است که هر روز پر رونق تر شد. در ارتباط با استعمار زنان کارگر در ایران هم باید توجه داشت که این قشر در زمره ارزان ترین و بی حقوق ترین قشر در بخش طبقه کارگران هستند. تبعیض های جنسی و نابرابری های حقوقی که فرودستی اجتماعی زنان در ایران را نهادینه می کند به سرمایه داران و کارفرمایان این اجازه را داده است تا بدون هیچگونه محدودیتی از نیروی کار ارزان و معطف زنان سواستفاده کنند. زنان کارگر علاوه بر آنکه حقوق انسانی شان در جامعه و خانواده به انحاء مختلف در معرض اجحاف و تبعیض قرار دارد عمدتاً در کارگاههای کوچک با جمعیت زیر ۱۰ نفر که تحت هیچ نوع پوشش بیمه اجتماعی هم نیستند کار می کنند که تحت ظلم قراردادهای موقت برای محروم ساختن آنان از بیمه بیکاری و تعرضات سیستماتیک طبقه سرمایه دار علیه کارگر است.

وجود تورم و گرانی سرسام آور در طول چهار دهه ، که فقر و فلاکت و گرسنگی را به کارگران و خانواده ها در سطح میلیونی تحمیل نموده است و این زنان کارگر و خانواده های کارگری هستند که مجبورند بار بیشتر این بحران را بر دوش بکشند. در این میان وضعیت زنان کارگر که اغلب نیز سرپرست خانواده اند در طول بحرانهای اقتصادی به مراتب اسفبارتر و با محرومیت بیشتری روبروست، زیرا که آنان بار ستم مضاعفی را نیز بر دوش می کشند. کارگر زن که در محیط کار تبعیض و نابرابری را با تمام وجود خود لمس می کند، بیرون از کارخانه نیز با آن درگیر و مواجه است. حکومت فاسد و جنایتکار اسلامی در ایران به عنوان یک نظام ارتجاعی زن ستیز این تبعیضات و نابرابری ها را در ابعاد وسیعی تشدید نموده و به آن پوشش قانونی داده است. خوشبختانه، بنیان این خیزش که زنان و دختران شجاع ایران ساکنان داران انقلابی آن هستند، ریشه در نابرابری های اقتصادی و

انقلاب ۱۴۰۱
نوری شریفی

اعتراضات بالا میگیرد، شعارهای سرنگونی از هر کوی و برزن به گوش میرسد، گاز اشک آور، فریاد معترضین، صدای تیر بیشتر می‌شود و جوانان حق خواه یکی پس از دیگری بر زمین می‌افتند اما جای آنان بلافاصله پر می‌شود و سرکوبگران را به استیصال می‌کشاند. روش سرکوب شدیدتر میشود، کودکان، نوجوانان و جوانان با وحشیانه ترین ضربه ها کشته می‌شوند. ضربه هایی کشنده به سر با باتوم و میله آهنی، و یا با شلیک مستقیم و استفاده از گلوله های ساچمه ای و جنگی و پرتاب از بلندی در حالیکه آنان را مورد تعرض جنسی نیز قرار داده اند. همچنین اذیت و آزارهای جنسی که به هنگام دستگیری در مورد معترضان انجام می دهند. شنیع ترین رفتارهایی که از یک حکومت مستبد ایدئولوژیک میتوان انتظار داشت از رژیم جمهوری اسلامی ایران که بیش از ۴۳ سال است شعار دیانت و پرهیزکاری سر داده است، تاکنون سرزده است.

در کنار این کشتارهای خیابانی، هر روز در گوشه و کنار این سرزمین خونبار به هنرمندان، روزنامه نگاران، ورزشکاران، نویسندگان، فعالان حقوق بشر، وکلا، دانشجویان، و حتی دانش آموزان یورش برده و آنان را بازداشت می کنند. در زندانهای مخوف و قرون وسطایی خود نیز بحدی آنها را شکنجه می‌کنند که زیر شکنجه به قتل میرسند و یا در بیدادگاه‌های خود حکم اعدام برای آنها صادر میکنند. این رژیم نابکار رذالت و دنائت را به حدی رسانده است که خانواده های داغدار را تهدید می‌کند اگر اطلاع رسانی کنند جنازه فرزندانشان را به آنها تحویل نمی‌دهند، و خود جنازه ها را از سردخانه دزدیده، شبانه دفن می کنند. از خانواده ها اعتراضات اجباری

می گیرند که بگویند فرزندشان سخته یا خودکشی کرده و یا زمینه یک بیماری سخت داشته است.

این انکار برای حفظ و بقای خویش همیشه در طول تاریخ گریبان حکومت‌های دیکتاتوری و توتالیتر را گرفته است، اما ثابت شده که این بیشتر مفری برای آنان است تا راه نجات.

در مورد حاکمیت مستبد اسلامی نیز چنین است، سرکوب تنها ابزاری است که برای ماندگاری خویش از آن استفاده کرده است اما اعتراض به قصد براندازی به قدمت تفکر آخوندی و اسلامی در جامعه ایران صورت گرفته، کافی است نگاهی به تاریخ ایران در دوره های مختلف ببندیم، تحلیل های واقع بینانه نشان از آن دارد که همواره اعتراض های پیاپی توسط روشنفکران به اسلام و آخوندها صورت می گرفته که در همان زمان بدست اسلاميون به قتل می رسیدند. بنابراین نمی‌توان گفت این انقلاب بپتیهایی و اکنون صورت گرفته است. بنظر من انقلاب ۱۴۰۱ امتداد اعتراضات تمامی سالیان زور و جبر ایدئولوژی اسلام در آن کشور است.

از آنجا که همواره به زنان ظلم مضاعف می شده در طول تاریخ پرچمدار اعتراضات انقلابی زنان بوده و هستند، و این یکی از مهمترین نقطه قوت‌های این انقلاب میباشد. علاوه بر آن اتحاد و همبستگی ایرانیان چه در داخل و از طرف اقوام مختلف و چه در بین ایرانیان خارج از کشور بیشتر شده، نیروهای سرکوب حکومتی مضمحل تر شده اند، فروپاشی داخلی در حاکمیت سرریخت و با عمق بیشتری صورت گرفته است.

جهان در این انقلاب درگیر شده است، در همه جا و از هرزبانی طنین "برای..." شروین حاجی پور را می‌شنوید و به چندین زبان زنده دنیا نیز ترجمه و خوانده شده است تا جاییکه در لیست کاندیداهای برتر فستیوال موسیقی بین المللی "گرمی" قرار می‌گیرد. انسانهای آزاده دنیا این آهنگ را که نماد انقلاب ۱۴۰۱ شده است به زبان فارسی یادگرفته و زمزمه می‌کنند و همراه با ایرانیان اشک می ریزند، در تجمعات اعتراضی شرکت کرده و بر علیه ظلم آشکار حاکمیت شعارها را فریاد می زنند.

اکنون کمتر کسی در جهان است که از رخدادهای ایران چیزی نشنیده باشد. فشار ایرانیان خارج از کشور و مردم جهان بر حکومت‌های خود سبب شده تا مجامع بین المللی صدای ملت ایران را بشنوند و تمهیدات جدیدی در مقابل جمهوری اسلامی ایران بکار ببرند، از گمانه زنی دست بردارند و اولویت را به حقوق بشر بدهند نه به مناسبات اقتصادی و یا مصالحه گری های

سیاسی. سطح گسترده این اعتراضات انقلابی در تاریخ ایران بلکه جهان بی سابقه بوده است و بی شک به بار خواهد نشست. اگر دختران و زنان و پسران و مردان مبارز ایرانی بی مهلبا در خیابانها می جنگند و هستی و جان خود را در کف دستانشان نهاده اند، تنها به این دلیل است که به ایران پس از رهایی می اندیشند. ایرانی که در آن آزادی و برابری و عدم تبعیض جنسیتی، قومی، زبانی و نژادی در اولویت قرار میگیرد و منشور جهانی حقوق بشر سرلوحه قانون اساسی خواهد بود. این قویترین انگیزه برای فرزندان است که با وجود از دست دادن پدران و مادرانشان بپا خیزند و برای مادران که خود نیز به صحنه مبارزه کشیده شوند.

در مقطعی از زمان، مادران خاوران، مادران پارک لاله و مادران دادخواه ۹۸، دادخواهی از قاتلین فرزندانشان را فریاد زدند و به زندان افتادند، اما اکنون گریه و فغان مادران ۱۴۰۱ با خشم و شعار درهم آمیخته و کل حاکمیت نظام را به مبارزه میخواند. این مادران داغدار و خشمگین در عین حال، مبارزان را به ادامه راه خود دعوت میکنند و می‌گویند فرزندانمان را تقدیم انقلاب مردمی کرده ایم، بایستید و به پیش روید ما در کنار شما هستیم! برآستی که این حجم از شهامت و قدرت در مقابله با خونخواران مستبد اسلامی تنها دلیل برحق بودن مطالبات مردمی و این مسیر مبارزه است.

در انقلاب ۱۴۰۱ شاهد آن هستیم که نمادهای اسلامی و تبعیض آمیز به آتش کشیده می‌شوند و مورد هدف مردم قرار می‌گیرند. آخوندهایی که در طول سالیان حکومت خود تمام تلاش خود را بکار میبردند که بطور قانونی و یا از طریق سنت ها فشار را بر زنان بیشتر کرده و فضای جامعه و خانواده را برای آنان ناامن کنند، اینک از ترس جوانان عمامه به سر نمی‌گذارند و یا در انظار بدون لباس روحانیت ظاهر میشوند و در رسانه ها اعلام می‌کنند که جامعه برای روحانیت ناامن شده است، در واقع این موضوع نمایانگر میزان آگاهی و روشن بینی مردم نسبت به اسلام تحمیلی در گذشته است. نسل جدید پیشرو این انقلاب گشته، نسلی که فهمیده است نه گذشته ای در آن جامعه ای پر از محدودیت داشته و نه آینده ای بخاطر محرومیت از حقوق فردی و شهروندی خود خواهد داشت. بهمین سبب این نسل بی هراس جان به پیش تاخته و چون از قدرت خود آگاهی یافته است، بدون توقف به سرنگونی این حکومت کمر بسته و امیدوار و مطمئن به ایجاد تغییر میباشد. /

عروج مجدد جنبش دانشجویی، پرتوان و پر خروش در سراسر ایران
مصاحبه سازمان رهایی زن با کاوه عباسی

بالا بود که فعالیت های جنبش دانشجویی به حساب جنبش اصلاح طلبان در داخل حاکمیت ایران ریخته میشه تا اینکه اتفاقات سال 78 کوی دانشگاه که باعث میشود در دفتر وحدت و انجمن های اسلامی که تا حد بسیار زیادی بازوهای اعمال نفوذ حاکمیت جناح اصلاح طلب در دانشگاه ها بودند، در این بخش شاهد یک ریزش عمده ای بشود و در اوایل دهه 80 شاهد عبور جنبش دانشجویی از آن دوره اصلاح طبعی بودیم و به نظر من تاریخی میشود به آن اشاره کرد، آن جنبشی بود که حرکت کرد و به عقب هم برنگشت خرداد سال 82 است .

اعتراضات تحصن ها اعتصابات در دانشگاه های ایران در اعتراض در کوی خرداد سال 82 در اعتراض به خصوصی سازی بخشی از دانشگاه بود که من در اعتراضات کوی دانشگاه دخیل بودم. همان اتفاقات که نیروهای امنیتی حمله به کوی دانشگاه نه فقط کوی دانشگاه ، در خوابگاه و دانشگاه علامه شرایط به گونه ای بود که یک ماه دانشگاه ها صحنه پرتلاطم تقابل جنبش دانشجویی با نیرو های حکومتی بودند و این بار نیروهای جنبش دانشجویی کشف امیدی برای اصلاح طلب و حاکمیت نداشت و من برای اولین بار به عنوان فرد 18 یا 19 سال داشتم شعارهای سرنگونی طلبانه میشنیدیم میدیدیم مثلا یکی از شعارها جمهوری اسلامی فانوس در باد است و از این اتفاقات انرژی گرفتیم و باعث شد در نیمه سال 82 در تاریخ 16 آذر شعار هایی با پلا کارد های سرخ با شعار آزادی برابری که این روز ها در دانشگاه ها هنوز هم باب است و میشنویم و همچنین پلاکارد هایی برای اعتصابات کارگران صنعت نفت پتروشیمی معلمان و پرستاران در 16 آذر، بالا بردیم به صورت متشکل حضور داشتیم و میتوان گفت از این تاریخ نقطه آغاز حضور متشکل نیروهای چپ در جنبش دانشجویی در دانشگاه ها بود.



دانشجویی در خط مقدم جنبش انقلابی کنونی میپردازیم.

<http://www.rahaizan.tv/2022/11/the-resurgence-of-student-movement.html>

مینو همتی: قبل از هر چیز مایلیم از احساس درونیت که ناشی از پیوند وقایع امروز به تجربه مبارزاتی سالهایی که در دانشگاه با همزمانان بودید، برای بینندگان ما بگوئید
کاوه عباسیان: اولش باید بگویم با اینکه 10 سال داخل ایران نیستم ولی اتفاقات اخیر که میبینم باعث خوش حالی من از میزانی رادیکالی خلافتی هایی که دارن استفاده میکنن چه در شعار هاشون چه در حضورشون در دانشگاه ها کف خیابان و به هم چنین خلافتی هایی که دارن کف خیابان نشان میدهند و منی که فرسنگ ها فاصله دارم به من انرژی میده و من و یاد روز هایی که در جنبش دانشجویی فعالیت میکردم میندازد.

قتل حکومتی مهسا ژینا امینی طوفانی بیا کرد که سراسر این سرزمین اسلامزده را در نوردید و خاکسترها را کنار زد و گل آتش را نمایان کرد. از پس این طوفان سرنوشت ساز، آتش نهفته زیر خاکستر سر از دانشگاهها، کوی و برزن و میدان بر آورد و دامن نظام برده داری اسلامی را شعله ور کرد. یکشنبه زنجیرهای رخوت و ترس از دست و پای دانشجویان دختر و پسر پاره شد و طعم آزادی از قید و بندهای نظام پوسیده اسلامی چشیده شد. و نوید آنچه در فرداها هایمان انتظارمان را میکشد، در چهره ها نمایان شد.

کاوه عباسیان: همینطور شما هم یادتون هست اوایل دهه 80 جنبش چپ دانشجویی شروع به پا گرفتن کرد در دانشگاه های ایران دهه 60 یه دوره سرکوب و گشتار داریم، اعدام های وسیع را داریم و فرار دانشجویان فرهنگیان و... از ایران را داریم و بعد، دهه 70 را داریم که جنبش دانشجویی از دل خاکستر دهه 60 بیرون میاد ولی در عین حال آن رادیکالیسم و آن خلافتی و آن دهه 70 به دلیل وجود جنبش اصلاح طلبی که حسابش از چانه زنی از

رژیم فاشیستی اسلامی از بدو تولد با تصفیه دانشگاهها و تخریق سهمیه از حوزه های جهلیه و عوامفریبی، و تشکیل بسیج دانشجویی، تلاش در به انقیاد کشیدن فکری دانشجویان و پادگانی کردن محیط دانشگاهی نمود. لیکن جنبش دانشجویی بطور آشکار و پنهان همیشه با ارزشهای قرون وسطائی نظام در جدال بوده و آنرا به چالش کشیده و بهای سنگینی را نیز متقبل شده است. در این چهار دهه جنبش دانشجویی نیز فراز و نشیبهای فراوانی را طی کرده است. در برنامه امشب میهمان عزیز می داریم که در دل جنبش دانشجویی ایران و از جریان موسوم به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب برآمده و هم اکنون استاد رشته فیلم و رسانه در دانشگاه کنت در انگلستان هستند و کماکان پیوند عمیق خود را با جنبش انقلابی بر محور زن، زندگی، آزادی و برابری استحکام میبخشد. در برنامه امشب به ویژه گی های جنبش



که دیگر از همان تاریخ شروع چاپ نشریه های دانشجویی نشریه خاک که من از سردبیران و عضو هیئت موسس آن بودم به عنوان یکی از نشریه های چپ و رادیکالی در آن سال ها ازش یاد میشد که جای خالی این نشریه تاجایی احساس میشد که این نشریه در شهرها و دانشگاه ها و کارخانه جات دیگر هم کپی میکردند و پخش میکردند، فکر ما روی 100 تیراژ بود ولی بالای 500 تیراژ رسید، تیراژی بود که مجله های عام در آن روز ها به تیراژ نشریه دانشجویی نمیرسید.

که در سال های بعد نشریه خاک بالای 1000 تیراژ داشت. بعد از آن نشریه هایی به وجود آمد، نشریه پیش رو، آرمان نو، گوزن ها و فریاد که اینها نشریه چپ بودند در آن زمان، جنبش دانشجویی روی نشریه ها کار میکرد. جنبش دانشجویی چتری بود برای جریانات و تفکرات مختلف که در آن زمان وجود داشت. در سال 1385 در اعتراضات خردادماه درباره اخراج سازی های وسیع اساتید، دگر اندیش دانشگاه ها و همچنین احکام کمیته های انضباطی علیه دانشجویان، ستاره کردن دانشجوی ها که بر علیه اعتراضاتی شکل گرفت که به مرکزیت تهران و به شهرهای دیگر هم کشانده شد. در آن اعتراضات هیچ اثری از اصلاح طلب ها نبود.

جنبش چپ دانشجویی لازم دیدیم که با اعلام حضور متشکل خودمان حضور پیدا کنیم و زیر آنرا امضا کردیم به عنوان دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب با شعار دانشگاه یاد گان نیست که بعد ها این شعار بسیار معروف شد.

از 16 آذر مراسم بزرگی با دفتر تحکیم وحدت برگزار کردیم و آنهم داستان های خودش و درگیری های خودش را داشت، معروف شد به 16 آذر سرخ که بعد از آن هیچ مراسمی باهم برگزار نکردیم و 16 آذر 86 مستقل برگزار شد.

این یک خلاصه از اتفاقات نیمه اوایل دهه 80 رخ داد میتوان به عنوان شروع جنبش دانشجویی دانست.

و اتفاقاتی که افتاد مردم کلمه انقلاب، اعتراض و اعتصابات را عار میدانستند. الان همه انقلابی شدند ولی در شرایط انقلابی، انقلابی بودن در شرایط خفقان، اینکه انقلابی باشی و شعله های انقلاب را زنده نگه داری این مهم بود.

اتفاقی که در دهه 70 افتاد نقطه ابتدایی سیاست ورزی انقلاب در درون جنبش دانشجویی بود. این سیاست انقلاب ورزی تا 88 سرکوب شدید داشت، که خیلی بچه ها در زندان رفتند، خیلی ها تا سال ها در زندان بودند و خیلی ها مجبور به تبعید شدند، از جمله خودم، خیلی از بچه ها در تبعید دست

به خود کشی زدند، خیلی ها در ایران مجبور به سکوت شدند و از تحصیل محروم شدند، در واقع سرکوب اتفاق افتاد، ولی اتفاقی که سال ها بعد نشان داد، این بود که سرکوب پر زور بود، ولی جوانه ها از بین نرفتند و می بینیم که دهه 90 دانشجویان رادیکال را دور محور شوراهای صنفی متشکل میکنند، اتحادیه صنفی دانشگاه های کل ایران را نگاه که می کنی، اهداف آنها فراتر از دغدغه های صنفی بوده و اتفاق هایی بودند که در سطح جامعه در حال رخ دادن بودند.

در سال 96 در جامعه اتفاقی می افتد و افرادی که در شورای صنفی حضور داشتند مورد سرکوب قرار میگیرند، به زندان میروند و همچنان در زندان هستند. خیلی ها از ایران خارج شدند و خیلی ها ممنوع التصویر شدند و مدام در حال بازداشت هستند و مجبور به سکوت شدند.

ولی باز هم با اتفاقات سال های بعد متوجه شدیم که جمهوری اسلامی با سرکوب ها نتوانسته این آتش را خاموش کند، و با سرکوب بنزین را ریخته روی آتش، با اینکه دانشگاه ها 2 سال به علت کرونا تعطیل بودند، خیلی ها آمدند و تحلیل کردیم و حکومت میخواست جلوه بدهد غیر سیاسی بودن دانشجو هارا، و ما میگفتیم که جای کار دارد تا دانشگاه به خودش برگردد، ولی با اتفاق های اخیر متوجه شدیم، چنین چیزی نیست.

دانشجو به واسطه آن نقشی که در جنبش های اجتماعی دارد آن شعله رادیکالیسم در دانشگاه زنده مانده، و این زنده ماندن رادیکالیسم در دانشگاه تا دوام سال ها و دهه ها تلاش و مبارزه درونی جنبش دانشجویی است. میشود این را یک سلسله ای از مبارزات دید، عبور از اصلاح طلب ها و پاکرفتن اندیشه های انقلابی در دانشگاه، نتیجه اش میشود، روز های کنونی که جنبش دانشجویی چه جوری دارد عمل میکند، چقدر پیشرو عمل میکند در مبارزه با حکومت، سیاست های خودش را پیش میبرد.

مینو همتی: حتما شما و بسیاری از همزمانتان بخاطر میآورید که رهائی زن از طریق این برنامه تلاش میکرد پژواک فریادها و مطالبات دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب باشد، مایلم بدانم پوشش خبری و نظری ما تا چه حد به اهداف شما یاری میرساند؟

کاوه عباسیان: سوال بسیار مهمی است، چون که مسله پوشش خبری برای خانواده هایی که بچه هایشان دستگیر میشوند، فشار حکومت برای اینکه با رسانه ها صحبت نکند، تهدید میشوند که بچه هایتان را تحویل

نمی دهیم و در واقع الان رسانه ها هم برای جمهوری اسلامی مسله مهمی شده که بعضا در گذشته از این تهدید ها میترسیدند و رسانه ای نمیکردند موضوع را، و در نبود پوشش خبری چقدر فشار می آورند روی زندانی، چقدر میتوانند مانور بدهند، شکنجه انجام بدهند و منجر به مرگ آنها میشود.

من میخوام برگردم به دوران حاضر، 3 سال پیش، 3 جوان محکوم به اعدام شدند و مردم میگفتند، هشتگ زدن چه فایده ای دارد و همان هشتگ گذاری ها باعث شد این خبر چقدر جهانی بشود، ترند شدن آن هشتگ حکم اعدامشان لغو شد، همین که جان 3 نفر نجات یافت خیلی مهم است.

برگردیم به سال های دوران خودمان در دوران سرکوب جریان دانشجویان آزادی خواه و برابری سال 1386 به عنوان مثال یک جریان سیاسی بی بی سی فارسی باشد تلوزیون نبود و رادیو بود و دهه ها کار میکرد و پربازده بود و اینها اخبار های مارا کارنمیکردند به هر دلیل بجز چند خبر جزئی.

مربوط به سرکوب دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب bbc این موضوع جالب بود برای من چون ما ناقد اخبار در رسانه های جریان اصلی بودیم، و اینکه ببینی انقدر واضح یک خبر داره بایکوت میشه از طریق رسانه ای، برای من آن سال ها جالب بود، رسانه های مستقل و مردم نهاد داشتن خیلی خوب کار میکردند.

ما در سمت چپ در سنت انقلابی در قرن 20 در ادبیات بحث هژمونی را پیش میکشیم آنتو کرا از ایتالیا میاد طبقات حاکم رسانه های خودشون و دارن و و به هژمونی فرهنگی دست پیدا میکنند و میگویند این هژمونی نمیتواند کامل باشد و ما میتوانیم حفره ای ایجاد کنیم.

در آن سال ها یک حزب حاکم، یک طبقه حاکم 2 و 3 روزنامه داشته یکی مثل گرامشی هم گفته ما هم 4 تا روزنامه میزنیم روزنامه مردم نهاد میزنیم که در شرایط امروز متفاوت شد. فیلم، سینما، سوشیال مدیا، رادیو، پادکست و فضا گسترش پیدا کرده در نتیجه نقش رسانه های مستقل، چون میدونیم پشت رسانه ها چندین میلیون دلار و پوند و... هزینه هست و بسیار اینکه تقابل یک رسانه و دو رسانه پشت با اینها تقابل کنند بلکه کار چندین رسانه مردم نهاد مستقل و نیروهای اجتماعی که در فضاهای خودشون فضاهای فیزیکی با هجمه رسانه ای جریان راست مقابله کنند که جریان راست نمونه های متفاوتی دارد که در برنامه بعدی در موردش صحبت خواهیم کرد. میخوام بگویم فعالیت رسانه ای در رسانه شما چقدر مهم بود برای اینکه.... ادامه در ص 16

نوامبر ۲۰۲۲، جهان شاهد بزرگترین مبارزه بر علیه خشونت بر زنان است ۲۵

نظیرہ معماری



ہای بزرگی نصیب این جنبش شده است.

از زمانی کہ ۳ فعال سیاسی و برابری طلب یعنی خواهران میرابال در دومینیکن با فرمان نظام مستبد و دیکتاتور این کشور کشته شدند بیش از ۶۲ سال می‌گذرد. فعالین سیاسی آمریکای لاتین بعد از گذشت ۲۲ سال توانستند این روز را از طریق تصویب و اعلام آن از طرف سازمان ملل، جهانی کنند کہ بنوبہ خود نقطہ عطفی در طرح و برجستہ کردن خشونت بر زنان و در عین حال مبارزہ بر علیہ آن بودہ است .

این روز در میان ما ایرانیان و فعالین زن و مرد آزادیخواہ و برابری طلب شناختہ شدہ و ہموارہ مناسبیتی در ادامہ مبارزہ بر علیہ خشونت بر ما زنان بودہ است.

اما آنچه اکنون و در بیش از دو ماہ گذشتہ بعد از کشتن مهسا امینی و انفجار عظیم و انقلابی بویژہ از سوی زنان در ایران روی داد بزرگترین و برجستہ ترین مبارزہ و قیام بر علیہ خشونت قانونی و سازمانیافتہ بر علیہ زنان در ایران اتفاق افتادہ است . جهان تا کنون این چنین مبارزہ بزرگ و میلیونی و

۲۵ نوامبر امسال، نہ تنها برای ما ایرانیان بلکہ برای تمام انسان های متمدن و آزادیخواہ و بویژہ زنان در جهان، شاهد بزرگترین مبارزہ بر علیہ خشونت بر زنان بودہ است. بعد از بیش از دو ماہ جنبش عظیم و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی کہ بعد از کشتن مهسا امینی شروع شد و با جان باختن و قهرمانی های زیاد در میدان مبارزہ با رژیم سرکوب و جنایت اسلامی ادامہ دارد، گام

سازمانیافتہ بر علیہ خشونت اسلامی و ارتجاعی بہ شکل رادیکال و انقلابی کہ شروع و ادامہ دارد را بخود ندیدہ است. دہ ها دختر و زن در میان کشتہ شدگان این دورہ مبارزات هستند و نام تک تک آنها در کنار تمام آزادیخواهان و برابری طلبان در ایران و جهان تاریخی شد.

نہ تنها این، بلکہ جنبش عظیم و انقلابی برای سرنگونی رژیم، تا ہم اکنون تمامی قوانین و سنت های قانونی و ارتجاعی در جامعہ را زیر سوال بردہ و عقب راندہ است، تحول بزرگی کہ مبنای آن را انقلاب زنانه در ایران شکوفا کرد.

ہم اکنون و در ۲۵ نوامبر روز جهانی علیہ خشونت بر زنان جهان بزرگترین ضربہ بہ خشونت قانونی و سیستماتیک، تحقیر و تجاوز و بی حقوقی فردی و اجتماعی در ہمہ زمینہ ها بر علیہ زنان را در ایران شاهد است. نتیایج این مبارزہ کہ بطور قطع بہ سرنگونی جمهوری اسلامی منجر خواہد شد تا ہم اکنون تمام منطقہ و جهان را ہم تحت تاثیر قرار دادہ است.

نوامبر روز جهانی علیہ خشونت بر زنان در کنار مبارزہ انقلابی بر علیہ جمهوری خشونت و جنایت اسلامی عجین شد ۲۵ .

<http://www.rahaizan.tv/2022/11/the-medical-staff-heroes-of-fight.html>

مردم ہرگز جانفشانی کادر درمان در مبارزہ با کرونا در یک سیستم حکومتی ضد علمی را فراموش نخواہند کرد. در ہفتہ های اخیر کادر درمان تحت شدیدترین فشارهای ضد بشری قرار دارند. رژیم اسلامی وجدان پزشکی کادر درمان را نشانہ گرفته است و با زور سرنیزہ زخمی ها را از بیمارستان ها و درمانگاہ ها علیرغم مخالفت پزشکان معالج، میربایند و بہ سیاہ چال های رژیم اسلامی منتقل میکنند. برگہ های پزشکی قانونی را با حکم حکومتی دستکاری میکنند و پیکر جان باختگان را نیز می ربایند تا بازماندگانشان از برگزاری مراسم محروم شوند. از آمبولانسها برای حمل و نقل نیروهای سرکوبگر و بازداشت شدگان سو استفادہ میکنند. داروخانہ ها را پادگانہ کرده و توزیع داروهای مداوای مجروحین را کنترل میکنند. در یک کلام رژیم اسلامی با دستور العمل و اعمال فاشیستی تمامی استانداردهای بین المللی را زیر پا گذاشتہ و حتی بہ تجمع اعتراضی کادر درمان با گاز اشک

کادر درمان، قهرمانان مبارزہ با کرونا، مورد هجوم دستگاہ سرکوب حکومت اسلامی مصاحبہ سازمان رہائی زن با پروانہ عظیمی



آور و چماق حملہ میکند.

در برنامه امشب میہمان عزیزی دارم کہ از مدافعین حقوق زنان و یک کادر درمانی مقیم دالاس در ایالت تگزاس است. پروانہ عظیمی عزیز بہ برنامه رہائی زن خوش آمدید.

قبل از ہر چیز بہ تمامی پرسنل شریف کادر درمانی کہ بہ مداوای مجروحین و مصدومین خشونتہای حکومت سرکوبگر، مشغولند درود میفرستیم.

مینو همتی: از احساس درونی خود نسبت به همکاران تان در سراسر ایران زیر ضرب حکومتی، تلاش می‌کنند به سوگند پزشکی خود وفادار بمانند برایمان بگویید.

پروانه عظیمی: در اینجا من از طرف خود و ملت ایران از تک تک پرستاران، پزشکان دانشجویان پزشکی، دانشجویان پرستاری، پرسنل اتاق عمل، آزمایشگاه، بهیاران، کمک بهیاران و تمامی پرسنل کادر درمان برای تلاش در درمان و حمایت آنها از معترضین مصدوم سیاست‌گذاری می‌کنم. باید توجه داشته باشیم که کادر درمان خود نیز از معترضین به نظام جمهوری اسلامی می‌باشند و در سال‌های اخیر بارها برای اعتراض به شکاف طبقاتی و ظلم‌هایی که به آنها از طرف دولت وارد شده است در کف خیابان حضور پیدا کرده‌اند. با آغاز اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی از اوایل دهه ۸۰ بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده ۱۹۲ قانون برنامه سوم توسعه، واگذاری بیمارستان‌های دولتی به بخش خصوصی شروع شد. با واگذاری بیمارستان‌های دولتی به بخش خصوصی روند استخدام و بکارگیری پرستاران، بهیاران و کمک بهیاران در انحصار شرکت‌های پیمانکاری قرار گرفت. اهرم اصلی دولت در پیشبرد سیاست‌های خصوصی‌سازی در نظام پرستاری، شرکت کارآفرینان آوای سلامت است. این شرکت در سال ۱۳۹۳ به عنوان سهامی خاص، فعالیت خود را آغاز کرد. استخدام پرستاران شرکتی و گسترش قراردادهای موقت، تنها بخشی از فعالیت‌های این شرکت است و به لیست فعالیت‌های آن می‌توان به سهامداری ۲ میلیارد دلاری در صنعت نفت و پتروشیمی، قرارداد با بیش از ۵۰ دانشگاه علوم پزشکی در سطح کشور، صادرات واردات تجهیزات پزشکی و تامین وسایل و تجهیزات دندانپزشکی اشاره کرد. یک پرستار شرکتی در ایران با سابقه کار ۵ تا ۱۰ ساله دستمزد کمتری نسبت به پرستاری دریافت می‌کند که بدون سابقه کار به استخدام بیمارستان دولتی در آمده است. علاوه بر این پرستاران شرکتی کارانه دریافت نمی‌کنند.

لازم به ذکر است معوقات پرستاری در بخش کارانه و در ایام کرونا به بسیاری از پرستاران پرداخت نشده است. بسیاری از این پرستاران با قراردادهای موقت ۸۹ روزه استخدام شدند و پس از فروکش کردن همه گیری کرونا از بیمارستان‌ها اخراج شدند. این پرستاران سالهاست که در انتظار تبدیل وضعیت قرارداد خود هستند. ولی با تمام مشکلات شغلی که دارند.

بار دیگر پرستاران، پزشکان، کادر درمان در جریان اعتراضات گسترده ملت تحت ستم

ایران علیه جمهوری اسلامی، درخشیدند و به دیواری محکم در برابر نیروهای امنیتی و نظامی برای هجوم به معترضان زخمی در بیمارستانهای کشور تبدیل شده‌اند. آنها با پایبندی به قسم حرفه‌ای، خودشان را سپر ضربات و تهدیدهای نیروهای امنیتی می‌کنند تا از معترضان زخمی محافظت کنند. آنها در روزهای گذشته در قالب بیانیه‌ها و گردهمایی‌ها بارها تاکید کردند که تسلیم فشار نامشروع نیروهای امنیتی برای افشای نام معترضان زخمی نخواهند شد.

در جمهوری سرمایه داری اسلامی متأسفانه هیچ چیز در جای خود قرار ندارد نه تنها احترام به مقام و منزلت کادر درمان، که یکی از قشرهای محافظ سلامتی انسان‌ها در کشور می‌باشند، گذاشتن می‌شود، بلکه مورد خشونت قرار می‌گیرند. تا همین چند ماه پیش بود که فشار ناشی از کرونا پرستاران را به قدری خسته و فرسوده کرده بود که شماری از آنها به دلیل این فشار دچار خطرات جسمی جدی شده و تعدادی از آنها به دلیل این فشار جان خود را از دست دادند. از سوی دیگر وزارت بهداشت به دلیل نیاز شدید به پرستار و کادر درمان شمار زیادی از آنها را در قالب قراردادهای ۹۰ روزه استخدام کرد و قوانین برده داری نوین را به آنها تحمیل کرد و بدون مزایای بیمه درمانی و دیگر مزایا بعد از مدتی استنمار، آنها را از کار بیکار کرد.

در بیش از یک ماه گذشته کادر درمان به ویژه پرستاران از سرکوب شدید اعتراضات سراسری توسط نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی در امان نبوده، و گزارش‌های زیادی از برخوردهای امنیتی پلیسی با کادر درمان بیمارستان‌ها منتشر شده، اشاره می‌کنم به روز چهارم آبان از حمله نیروهای انتظامی امنیتی به بیمارستان سینا در تهران و شلیک گاز اشک‌آور توسط آنها در داخل اورژانس، همچنین بنا به گزارشات رسیده از ضرب و شتم کادر درمان به ویژه پرستاران توسط ماموران امنیتی زمانی که برای ربودن مجروحان اعتراضات مردمی در بیمارستانها و مراکز درمانی حضور می‌یافتند منتشر شده بود پرستاران به دلیل عدم همکاری با ماموران امنیتی و اطلاعاتی در شناسایی مجروحان یا مقاومت در برابر ربایش معترضین زخمی، خود بازداشت شدند.

کادر درمانی که دیروز با نام مدافعین سلامت شناخته می‌شدند امروز به اتهام‌های مختلف دستگیر می‌شوند. گفتنی است در جریان اعتراض‌های مردمی تاکنون چندین نفر از پرستاران، دانشجویان پزشکی بازداشت و یا حتی متأسفانه کشته شدند و از طرفی بارها

مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفته‌اند. در عین حال وزارت بهداشت و سایر دستگاههای مسئول و همچنین بیشتر تشکل‌هایی که به نام صنفی فعالیت می‌کنند تاکنون واکنش درخور و مناسبی با این برخوردها نداشتند و حتی برعکس نشانه‌هایی از همکاری وزارت بهداشت سازمان پزشکی قانونی با دستگاههای امنیتی وجود دارد، اتفاقی که در سرکوب اعتراض‌های پیشین نیز سابقه داشته، البته در اینجا یادآوری می‌کنم که همزمان با چهلین روز کشته شدن مهسا ژینا امینی در اعتراض به سرکوب مردم، هیئت مدیره نظام پزشکی تهران و قائم مقام رئیس نظام پزشکی برای اعتراض به برخورد سنگین نیروهای امنیتی با مردم معترض و کادر درمان با حضور پزشکان پرستاران دندانپزشکان و تعدادی از کاردرمانی، در مقابل سازمان نظام پزشکی، تجمع کرده بودند، با تعرض و ضرب و شتم، توسط موتورسواران نظامی و مسئولین امنیتی مواجه شد، و آن‌ها از سمت خود استعفا دادند. در این تجمع اعتراضی، قرار بود کادر درمان، خواسته‌های خود را مطرح کنند که شامل توقف ورود نیروهای امنیتی به مراکز درمانی، حفظ سلامت روانی و جسمی بازداشت‌شدگان، حفظ استقلال سازمان پزشکی قانونی، شنیدن اعتراض مردم، محرمانه ماندن اطلاعات مصدومین و مراجعه کننده به مراکز درمانی، عدم دخالت نیروهای امنیتی در پروسه درمان، محکومیت تغییر کاربری آمبولانس‌ها و سوء استفاده از نمادهای پزشکی، محکومیت آسیب به کودکان و توقف خشونت از سوی نیروهای امنیتی بود.

مینو همتی: اگر ممکن است موارد تعرضات غیر قانونی حکومت به امکانات و پرسنل پزشکی ایران و تجاوز حکومت به حریم بیمارستانها، ممانعت از ارائه خدمات پزشکی به شهروندان معترض را برشمارید.

پروانه عظیمی: لازم به یادآوری است که طبق کنوانسیون ژنو، که فراگیرترین معاهده برای حمایت از حقوق افراد غیر نظامی در زمان جنگ است، در هشت فصل ۱۶۳ ماده، به این موضوع پرداخته شده، در فصل چهارم و پنجم آن به طور مشخص هرگونه استفاده غیر نظامی از نمادها و ابزارهای

پروانه عظیمی: متأسفانه تشکل های صنفی پرستاری در کشور نه تنها صدای پرستاران را منعکس نکرده و صدای صنفی آن ها نیستند، از پرستاران و کادر درمان که توسط نیروهای امنیتی تهدید و کشته می شوند و به حریم حرفه ای آنها تجاوز میشود حمایتی صورت نمی گیرد. نظام پرستاری ایران، خانه پرستار، انجمن پرستاران همه و همه با توجه به منافع سیاسی خودعمل می کنند. واقعیت اینست که تشکل های موجود از آنها حمایت نکرده و بازتاب صدای کادر درمان نیستند و این تشکل ها با نام پرستار درحال سوء استفاده از این عنوان هستند و مشغول لابیگری میباشند.

مینوهمتی: با توجه به وحشیگری فاشیستی نیروهای حکومت اسلامی و گسترش امواج انقلابی افزایش تعداد زخمی ها، ضرورت نجات جان مجروحین، خارج از دسترس نیروهای سرکوبگر، نیازمند همکاری بیش از پیش مردم با کادر درمانی دارد. نظر شما در این مورد چیست؟

پروانه عظیمی: متأسفانه پرستاران و کادر درمانی با مشکلات متعددی روبرو هستند که از جمله می توان کمبود نیرو متخصص هم برای پرستاران و هم برای مردم مشکلات متعددی را همراه دارد. تعداد مورد نیاز پرستار بر اساس شاخص جمعیت سنجیده می شود شاخص های سازمان جهانی بهداشت متوسط نسبت جمعیت به پرستار از هر هزار نفر ۶ پرستار می باشد. اگر قرار باشد حداقل نیاز به کار پرستاری محاسبه بکنیم این تعداد از ۶ پرستار به سه پرستار نسبت به هزار نفر جمعیت می رسد.

این مقدار حداقل و کمترین میزان خدماتی است که بیماران می توانند دریافت کنند در سال ۲۰۱۷ در ایران به ازای هر هزار نفر تنها یک و نیم پرستار وجود داشت، که این یعنی نصف حداقل نیاز بیمار برای مراقبتی که انتظار می رود از کادر درمان دریافتی کند. در این شرایط هم پرستاران و هم مردم آسیب می بینند. قابل ذکر است که تعداد پرستاران و تخت های بیمارستانی با بیمار، تعداد مرگ و میر ارتباط مستقیم دارد که در شرایط کرونا به خوبی شاهدش بودیم. سطح دستمزد، حقوق معوقه، عدم وجود دارو، تجهیزات و امکانات ... ادامه در ص 17

معترضان از چشم یا پیشانی مورد هدف قرار گرفته بودند که نشان می دهد در آبان ۹۸ نیروهای امنیتی سر معترضان را هدف گیری کرده بودند. همچنین به روایت یکی دیگر از کادر درمانی در سال ۹۸ نیروهای انتظامی به همه سوپروایزر ها، اعلام کردند که در صورت ورود هر مجروح بیمارستان باید آنها را معرفی کرده و با گماشتن نیروهای خود در اورژانس و درمانگاه محیط درمانی را تحت کنترل خود داشتند. این افشاگری دو سال پیش در حالی صورت گرفت که وزارت بهداشت این روزها و در جریان سرکوب خیزش مردمی اخیر نیز تمام امکاناتش از جمله آمبولانس ها را در اختیار نیروهای امنیتی قرار داده تا از آن برای فریب معترضان، انتقال نیروهای امنیتی برای سرکوب و انتقال معترضان بازداشت شده به زندان استفاده کند. در جریان حمله و سرکوب دانشگاه علوم پزشکی تعداد زیادی دانشجو، آسیب دیده اند و همانطور که می دانیم، رئیس این دانشگاه که توسط وزیر بهداشت انتخاب شده، در جهت توجیه سرکوب ها بر آمد و گفت نیروهای امنیتی با این حمله نقش دشمن را خنثی کردند.

مصون ماندن بیمارستانها و پرستاران و کادر درمان از حملات نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و برخوردهای خشونت بار آنها در حالی است که بنا بر قوانین بین المللی مراکز درمانی و کادر درمان همواره از گروه هایی بوده اند که حتی در شرایط جنگی نیز باید از هرگونه تعدی و تجاوز و آسیب، در امان بمانند. بنابر اصول پایه حقوق بین المللی بشر دوستانه هرگونه حمله نظامی و انتظامی به بیمارستانها و مراکز درمانی در زمان جنگ ممنوع بوده و نقض آن می تواند مصداق جرم بین المللی، جنایت جنگی محسوب شود. آنچه که لزوم مصون ماندن مراکز درمانی از هرگونه حمله نیروهای نظامی و انتظامی، اصل است، پاسداشت حقوق اساسی و اولیه انسانی از جمله حق حیات و حق بهره مندی از خدمات درمانی است. چرا که حمله به مراکز درمانی علاوه بر آنکه کادر درمان را در خطر جدی قرار می دهد به طور مستقیم بیماران و مجروحان را نیز تحت تاثیر قرار داده و حق حیات آنها را با خطر جدی روبرو می سازد.

مینوهمتی: آخرین اخبار از مقابله کادر درمان با این فشار های ضد بشری چیست؟

پزشکی مانند آمبولانس ها را ممنوع کرده است. در فصل چهارم این معاهده به طور مشخص اشاره شده است که " دولتهای متعهد حق ندارند از وسایل نقلیه بیماربر، استفاده های نظامی صورت دهند."

به موجب ماده ۳۶ همین کنوانسیون، کارکنان بهداری، بیمارستانی، کارکنان ناوهای بیمار بر، مورد حمایت قرار گرفته اند، و حتی حق دستگیری آنها از سوی نیروهای نظامی منع شده است. حتی در بدترین شرایط نیز اگر کادر درمان حین انجام وظیفه به دست نیروهای دشمن بیفتد، نیز مورد حمایت هستند. کنوانسیون ژنو مجروحان را نیز به طور گسترده مورد حمایت قرار داده و اشاره شده مجروحان و بیماران نیروهای نظامی، باید جستجو و جمع آوری شده و در مقابل غارت و بدرفتاری مورد حمایت واقع شوند.

از آغاز اعتراض های مردم در ایران، نیروهای امنیتی به بیمارستان ها و تجمع های دانشگاه های علوم پزشکی در شهرهای مختلف حمله کرده اند. در دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سنجند حتی به ماشین پرستاران و پزشکان و دانشجویان پزشکی هم یورش بردند. نیروهای امنیتی و ماموران اطلاعات در بیشتر بیمارستان های کشور حضور دارند و با دستگیری معترضین زخمی فضای ناامنی را برای پرستاران و پزشکان ایجاد کرده اند. آنها همچنین به پزشکان و پرستاران و کادر درمان در مقابل سازمان نظام پزشکی تهران حمله کردند و برخورد ها، چنان سنگین بود که یکی از پزشکان کشته شد که در پی آن دو نفر از اعضای سازمان نظام پزشکی هم استعفا دادند. از روز اول خیزش مردمی به شدت برای درمان معترضان، زیر فشار بوده و بارها بارها تهدید شده اند. کادر درمان تاکنون بارها در تجمعات مختلف شرکت کرده و به مواردی مانند استفاده از نمادهای پزشکی توسط نیروهای امنیتی انتقاد کرده اند.

در اینجا من به فایل صوتی که سه سال پیش منتشر شد و سند گویای بر همکاری وزارت بهداشت سازمان پزشکی قانونی با نیروهای امنیتی است، اشاره می کنم.

در این فایل صوتی صدای یک پرستار که توضیح می دهد در جریان سرکوب اعتراض های آبان ۹۸، وزارت بهداشت از بیمارستان ها خواسته بود تا از معترضان مجروح بیمه قبول نکنند و کادر درمان حق استفاده از خون برای آنها را نداشته اند. او همچنین افشا می کند پزشکی قانونی در ازای تحویل جسد معترضان به خانواده هایشان از آنها ۵۰ میلیون تومان دریافت می کرده است. نکته تکان دهنده دیگر در این فایل صوتی این است که پرستار افشاگر می گوید بیشتر

بیانیه 26 تشکل مستقل زنان ایرانی به مناسبت 25 نوامبر 2022 روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان



**اقدام مشترک
تشکل‌های مستقل زنان**
Collective Action of indep.
Iranian Women Org

روز 25 نوامبر به دلیل قتل خواهران میرابل، پاتریا، مینروا و ماریا ترزا، در مبارزه سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری در جمهوری دومینیکن در سال 1960 به عنوان روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان رقم خورده است. میرابل‌های ایرانی شامل زنانی هستند که در 43 سال گذشته به مبارزه علیه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی برخاسته و صدها کشته و هزاران زندانی داده اند. در ماه‌های اخیر میلیون‌ها زن ایرانی با دستان خالی در مقابل رژیم تا دندان مسلح ایستاده و جهان را با شعار "زن، زندگی، آزادی" به تحسین و حمایت از مبارزات خود برانگیخته اند.

خشونت علیه زنان مصداق بارز نقض حقوق بشر است. در سال 1991 کمپین جهانی 16 روز فعالیت برای پایان بخشیدن به خشونت علیه زنان توسط نهاد مدنی "سازمان رهبری جهانی زنان" آغاز شد. در حمایت از این ابتکار، سازمان ملل در سال 2008 کمپین "اتحاد" را بمنظور تلاش در جهت پیش‌گیری و رفع خشونت علیه زنان برپا نمود.

در سی و یک سال گذشته کمپین جهانی 16 روز فعالیت برای پایان دادن به خشونت علیه زنان توانسته، متجاوز از 6000 نهاد غیر دولتی، سازمان‌های زنان، فمینیست‌ها و نهاد‌های حقوق بشر را در 187 کشور در این مبارزه همراه کند. عده‌ای از زنان ایرانی در دیاسپورا طی 31 سال گذشته در این کمپین حضوری پررنگ داشته‌اند.

در جهان کنونی، از جمهوری دومینیکن تا ایران، از کابل تا واشینگتن، از فلسطین تا لهستان، آمار نهادهای بین‌المللی حاکی از افزایش خشونت در ابعاد وسیع علیه زنان است. قتل زنان به دلایل مختلف شدت یافته و دستاوردهای مبارزات زنان نیز اینجا و آنجا یکی پس از دیگری پس گرفته می‌شود. در ایالات متحده آمریکا، حق سقط جنین پس از 50 سال مورد تجاوز دولتی قرار گرفته و بالاترین دادگاه این کشور عمومی بودن آن را لغو و به تصمیم ایالت‌ها واگذار کرده است. دولت مرجع لهستان چند سال قبل حق سقط جنین را بطور کامل از زنان سلب نمود. امسال نیز نگرانی مبارزین حقوق زنان در ایتالیا با روی کار آمدن دولت دست راستی نسبت به از دست دادن حقوق خود شدت یافته است.

در ایران ابعاد خشونت‌های دولتی با رواج قتل‌های ناموسی، تبلیغ کودک همسری و جرم انگاری سقط جنین و غیر قابل دسترس نمودن امکانات جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته افزایش یافته است. همچنین با قتل معترضان در شهرهای سراسر ایران در خیزش جاری به رهبری زنان که حکومت اسلامی را به زانو در آورده شاهد خشونت فزاینده حکومتی هستیم که به جنگی رو در رو و نابرابر انجامیده است. جمهوری اسلامی نه تنها به قتل عام کور مبارزین و معترضان در خیابانها مشغول است بلکه تا کنون بیش از 28 کودک را در خیابان‌ها و از آن جمله ده کودک را در جمعه سیاه بلوچستان با شلیک گلوله بقتل رسانده است.

بدین ترتیب خشونت علیه زنان در سراسر جهان شدت یافته و هنوز همه ابعاد آن در کشورهای مختلف روشن نشده، از جمله زنان افغانستانی تحت حکومت اسلامی طالبان بدترین نوع خشونت‌های دولتی و خانگی را در قرن بیست و یکم تجربه می‌کنند. به اعتقاد ما تنها مبارزه همبسته جهانی زنان قادر خواهد بود مناسبات قدرت نابرابر را با زدودن فرهنگ دیرپای پدر - مرد سالاری و خشونت ساختاری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در هم شکسته و تلاش برای برابری جنسی - جنسیتی را به ثمر برساند.

برای رفع کلیه اشکال خشونت‌های جنسی - جنسیتی و سایر نابرابری‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی راهی بس طولانی در پیش داریم. امسال 25 نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، ما تشکل‌های مستقل زنان ایرانی در دیاسپورا با حفظ هویت گروهی خود در اقدامی مشترک کنار هم قرار گرفته، همراه و همگام با سایر فعالان حقوق زن در خیابان‌های شهرهای مختلف جهان با شعار "#زن_زندگی_آزادی #زن_ژیان_آزادی" رهایی زنان را فریاد می‌زنیم.

گروه آیین از شمال کالیفرنیا
گروه زنان ایرانی - فرانکفورت
گروه زنان در شمال کالیفرنیا
گروه مطالعات زنان ارونج کانتی
گروه نه به حجاب
زنان کنشگر ایرانی در تبعید - برلین
نهاد دگرباشان ماناو
فمینیسم روزمره
همایش زنان ایرانی - هانوفر

انجمن زنان ایرانی دالاس
انجمن زنان ایرانی-آلمانی کلن
انجمن زنان پرتو
انجمن زنان مونترال
انجمن زنان ایرانی ایتالیا
انجمن با هم برای سلامتی زنان
استقلال و برابری پایدار زنان (W.I.S.E)
ائتلاف بین‌المللی علیه خشونت در ایران (ایکوی)
ایکرو - سازمان حقوق زنان (IKWRO)
دایره زنان ایرانی برای همکاری جهانی (ICWIN)
زنان برای آزادی و برابری پایدار
سازمان رهایی زن
کمپین توقف قتل‌های ناموسی
کمپنه زنان ضد سنگسار پاریس
کمپنه زنان و مبارزه با تبعیض - همبستگی جمهوری خواهان ایران
گروه اتحاد زنان چپ

امید سرکش است

مونا لیونس

برگردان بفارسی از الف. ک.



"دیشب خواب دیدم که روبروی خانه ما یک دسته اسب وحشی از اسارت فرار کرده اند. دست غول پیکری از آسمان بر آنها نازل شد. می‌دانستم که قصد دارد اسب‌ها را به اسارت برگرداند. اما قبل از اینکه بتواند، یک جوان کلاه برسر و ماسکدار با آن کشتی گرفت و آن را به زمین چسباند. من با ترس تماشا کردم که غول بی چهره تلاش می‌کرد تا خود را رها کند و اسب‌های وحشی آزادانه به اطراف تاختند."

ایرانیان مقیم خارج از کشور که شاهد بزرگترین تظاهرات ضد رژیم در ایران هستند، با خشم فیلم‌ها را باز نشر می‌کنند، به صورت دسته جمعی ظاهر می‌شوند و امواج صوتی غیرقابل انکاری را در سطح جهان ایجاد می‌کنند. دلیل این امر کاملاً ساده است. و این همان دلیلی است که پدرم، یک انقلابی در تبعید، چنین رویایی قدرتمند و نمادین داشت. امید. برای اولین بار پس از 43 سال، همه ما به یک ایران جدید امیدواریم. و این امید از نظر تاریخی مهم است.

در سال 1988، تقریباً 10 سال پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در برهه‌ای آسیب‌پذیر در تاریخ ایران - دورانی که یک سلطنت به پایان خود رسید، زندانیان سیاسی به صورت دسته جمعی اعدام شدند. چرا؟ برای ارسال پیامی قوی به همه ایرانیانی که به تازگی از باخت کشورشان در جنگ تبلیغاتی رژیم ایران و عراق ناامید شده‌اند، این که مخالفت با رهبر انقلاب یک گزینه نیست. تخمین زده می‌شود که ده‌ها هزار ایرانی زندانی در آن زمان توسط جمهوری اسلامی اعدام و در گورهای دسته جمعی دفن شدند. در آن لحظه حساس، دنیا هیچ نگفت و کاری نکرد. انصافاً، رژیم از زمانی که قدرت را به

دست گرفت، تمام روایتی را که از ایران بیرون می‌آمد، به شدت کنترل می‌کرد. این منجر به این شد که برجسته‌ترین فعالان ضد رژیم در آن زمان در سکوت محو شدند و آنهایی که به دلیل ترس موجه از ترور مجبور شدند به اروپا و ایالات متحده فرار کنند و هویت خود را پنهان کنند. بسیاری از آنها هنوز با نام‌های مستعار مختلف در افزایش سوء استفاده‌های مداوم رژیم فعال هستند.

اگر تا به حال این موضوع را نشنیده‌اید، باید از دستگاه عظیم تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران تشکر کنید. لابی‌های رژیم در میان ما زندگی می‌کنند و آشکارا در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و مجامع سیاسی فعالیت می‌کنند. آنها برای چندین دهه توسط جمهوری اسلامی ایران سخاوتمندانه حمایت مالی شده‌اند تا گفتگو را در سطح جهانی کنترل کنند. این ماموران رژیم تمام تلاش خود را برای پنهان کردن جنایات آشکار جمهوری اسلامی ایران از جهان به کار گرفته‌اند و موفق شده‌اند. نه تنها در پوشاندن حقیقت یک دیکتاتوری انتقام جویانه و حساب شده اسلامی، بلکه در ایجاد چهره‌ای جهانی از مقاومت ضد امپریالیستی. آنها به شدت نسبی‌گرایی فرهنگی را برای توجیه رفتار با زنان ایرانی تحت جمهوری اسلامی تایید کرده‌اند. آنها به هر منتقد واقعی رژیم اسلامی برچسب اسلام هراسی می‌زنند و بدین ترتیب به مخاطبان مترقی غربی نیرنگ می‌زنند. اگر همه اینها به نظر شما یک توطئه هذیانی است، احتمالاً به این دلیل است که تجربه زندگی در یک دیکتاتوری نتوکراتیک را ندارید. برای نسخه مسیحی جهان فرضی این در ایالات متحده، به «داستان ندیمه» مراجعه کنید.

در سال 2009، جنبشی که شاید نام آن را شنیده باشید به نام جنبش سبز تلاش کرد تا رژیم اسلامی را از داخل ایران اصلاح کند. هدف اصلی آنها بازگرداندن رژیم به چیزی بود که آنها معتقد بودند چشم انداز اصلی خمینی برای ایران، تحت رهبری موسوی بود. در واقع، این نسخه به همان اندازه حکومت فعلی خامنه‌ای مشکل ساز بود. مثل این است که ترامپ و دیسانتیس بر سر اینکه چه کسی رئیس جمهور کمتر محافظه‌کار خواهد بود با هم بحث می‌کنند.

به هر حال نتیجه آن حرکت، طعم تلخی در دهان ایرانیان باقی گذاشت. ایرانیانی که از امید داشتن احساس حماقت می‌کردند. همانطور که اغلب دیکتاتوری‌ها اینچنین عمل می‌کنند، رهبری جمهوری اسلامی در انتخابات تقلب کرد و رئیس جمهور تندرو احمدی نژاد را علیرغم تمایل اکثریت برای اصلاحات به قدرت رساند. گذشته از همه اینها، ایران قبل از آنچه برخی به اشتباه «انقلاب اسلامی» در سال 1979 می‌نامند، در آن منطقه یک فرهنگ بسیار مترقی بوده است. ناگفته نماند که جنبش سبز توسط رژیم و ایرانیانی که حتی به آن حمله کرده بودند با خشونت به زمین خورد. ذره‌ای از امید که رژیم را می‌توان نجات داد، همه به رحمت ایزدی پیوست.

ده سال دیگر سپری شد و به سال 2019 می‌رسد. یک نسل کامل که تحت قوانین بی‌امان آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی ایران برای تمام عمر خود پرورش یافته بودند، اکنون با کمک رسانه‌های اجتماعی (هر چند در ایران به شدت تحت نظر است) به نوجوانان و بزرگسالان جوان آزاداندیش تبدیل شده‌اند. دروغ‌های آشکار و وعده‌های ضد امپریالیستی در مورد سعادت ملی که به والدینشان در زمان روی کار آمدن رژیم حقه کرده بودند، از شکوه و جلال افتاد و کاملاً محو شده بود.

قیمت بنزین در ایران سر به فلک کشیده بود. هزینه غذا هم همینطور تورم روزافزون داشت، شکاف طبقاتی، غیر قابل تحمل بود. فقیرترین (و مذهبی‌ترین) بخش‌های ایران، که زمانی پایگاه ایدئولوژیک رژیم بود، که به طور سیستماتیک از اسلام برای کنترل توده‌ای بهره‌برداری می‌کرد، برای اولین بار شروع به اعتراض به فساد کردند. برخی از لابی‌های جمهوری اسلامی ایران تحریم‌های آمریکا را عامل نارضایتی‌ها می‌دانستند و علی‌رغم شواهدی که نشان می‌دهد اعضای خانواده خود سران رژیم در خارج از کشور میلیاردها دلار پول‌شویی می‌کنند، به غیر از خود رژیم انگشت اتهام نشانه رفتند. در حالی که حاکمان اسلامی، امپراتوری‌های خود را می‌ساختند، مردم ایران در فقر و نارضایتی عمیق تر فرو رفتند.

اعتراضات سال 2019 که با نوامبر خونین مشخص شد، به سرعت اوج گرفت. علاوه بر فساد اقتصادی، جوانان ایرانی از سرکوب سیستماتیک که در آن متولد شده بودند به ستوه آمده بودند. این سرکوب نه تنها در قوانین آپارتاید جنسیتی مانند حجاب اجباری، و نظارت کلی بر بدن زنان، بلکه در بیان جنسیت خود را نشان داد. شرکای رمانتیک نمی‌توانستند در مکان‌های عمومی دست یکدیگر را بگیرند، چه برسد به اینکه بغل کنند یا ببوسند. دانش آموزان دختر و پسر در مدارس و دانشگاه‌ها تفکیک شدند. افراد و فعالان LGBTQ در ترس از کشف هویت و دستگیری خود زندگی می‌کردند. اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های گروه‌های سیاسی و عقیدتی از جمله بهائیان ... ادامه در ص 18

25 نوامبر، روز مبارزه با خشونت علیه زنان "لندن"

لندن؛ در همبستگی با مبارزات زنان در افغانستان علیه طالبان.. از ایران تا افغانستان حکم زنان انقلاب علیه ارتجاع کپک زده اسلامی است.. آپارتاید جنسی باید برچیده شود و این پیام انقلاب زنانه در ایران است.. زنده باد اتحاد و همبستگی مردم آزادیخواه و مترقی بیاید در کنار زنان کشور بایستیم و از مبارزه آنان حمایت نماییم



گفتگو با شراره رضایی درباره انقلاب جاری و مساله خشونت بر زنان در ایران
تلویزیون برابری برنامه ای از مهرداد مقیمی

دستور کارش قرار داده است.

مهرداد مقیمی: ارزیابی شما از تداوم خیزش مردم چیست؟

شراره رضایی: ببینید روزی که این اعتراضات با کشته شدن مهسا شروع شد شاید هیچکس فکرش را نمی کرد که به اینجا برسد. هیچکس تصورش را نمی کرد که بیش از شصت روز، مردم شبانه روز در خیابان ها حضور پیدا کنند و علیه حاکمیت با دستان خالی بجنگند. جامعه ای که روی تلی از باروت بود و قتل وحشیانه ی "مهسا" توسط نیروهای سرکوبگر گشت ارشاد، جرقه ای شد برای شعله ور شدن این باروت " مهسا" اسم رمزی شد برای عصیان و سربر آوردن نفرت و انزجار از کل حاکمیت و سیستم، در تقابل با کل حاکمیت اعدام، شکنجه، فقر و فلاکت، بی حقوقی زن، جنایت و سرکوب، نابرابری و تبعیض. و مردم با درهم شکستن تمامی چهارچوب های تعریف شده تفرقه افکنانه از قبیل ملیت و قومی و مذهبی و ناسیونالیستی اینبار متحد در خیابانها سنگر آزادی و مساوات و رفاه را بنا گذاشتند.

روزهای اول حتما خیلی ها فکر می کردند که این اعتراضات هم مثل اعتراضات قبلی، مدتی زیادی دوام نخواهد داشت ولی دیدیم که دانشجویان در کل دانشگاه ها، دانش آموزان، کسبه و بازاریان، کارگران، معلمان، زنان و همه ... به خیابان آمدند و هرچه بیشتر پیش میروند این جنبش با درایت تر و پخته تر و با خواست و مطالبات روشنتری دارد رو به جلو گام برمیدارد، اگرچه خواست جامعه در روزهای شروع اعتراضات، محاکمه ی عاملان و قاتلان مهسا بود اما امروز مردم خواهان به زیر کشیدن و محاکمه ی کل سران حاکمیت، در دادگاه انقلاب مردمی هستند.

این اعتراضات با یک بلوغ سیاسی متفاوتی از اعتراضات گذشته ظاهر شد. ما می بینیم که مثلا وقتی زاهدان و خاش را به خاک و خون کشیدند، کردستان فریاد زد: "کردستان حامی زاهدان" و کل مردم ایران در حمایت از کشتار بیرحمانه ی مردم کردستان و سیستان و بلوچستان فریاد زد: "کردستان، زاهدان، چشم و چراغ ایران!" و آنچه را که ناسیونالیست ها و قوم پرستان می خواستند به بیراهه بکشاند. کل ایران دست قوم پرستان و ناسیونالیست ها را کوتاه کردند.

زنان و دختران جوانی که دیگر ترسی از حاکمیت ندارند، روسری ها و شال ها که نماد تحمیل و بردگی و استثمار کشیدن زنان هست با رقص در شعله های انقلابی به آتش می کشند. و آنچه که در دنیای سرمایه داری



هر روز بالغ و بالغ تر می شود و با خط و خطوطی روشن تر در خیزش های دی ماه و آبان و در اعتصابات و اعتراضات مختلف معلمان، بازنشستگان، جنبش های زنان و اعتصابات کارگری خواهان تمام حقوق از معیشت، رفاه، امنیت و زندگی با شعار "نان، کار، آزادی، اداره ی شورایی" تا امروز با نام "زن، زندگی، آزادی" وارد فاز جدید و یک رونساز فرهنگی شده که علیه کل نظام سرمایه داری به میدان آمده و خواهان "آزادی و برابری زن و مرد" بدون هیچ کم و کاستی و بدون هیچ قید و شرطی هستند و اینبار به کمتر از زندگی سعادت مند و در شان بشریت متمدن رضایت نمی دهند.

ما شاهد هر روزه ی بلوغ سیاسی و تاکتیکی این جنبش هستیم که علیه هرگونه سناریوی سپاه بورژوازی از داخل تا خارج، علیه ش سد بسته اند. سران حکومت برای نجات شان به هر حربه ای دست میزنند و در تلاشی نافرجام هستند مثلا گفتند این اعتراضات برای این هست که زنان لخت بشوند. اگرچه این مطالبه، حق هر انسانی هست که آزاد زندگی کند و انتخاب خودش است. ولی ما در اعتراضات دانشجویان دیدیم که شعار "هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم" جواب قاطع و محکمی به حاکمیت داد و در مقابل جنبش های دست راستی خارج از کشور که تقلا می کنند که در کاخ الیزه و غیره برای این جنبش رهبر تراشی و چهره سازی کنند، الترناتیو و پاسخ مردم در میدان مبارزه: "اداره ی شورایی و دولت به دست مردم" بود که دیگر مردم اجازه ی دخالت به هیچ کس و هیچ کشوری را در تعیین سرنوشت شان نخواهند داد. جنبش آزادی خواهی و برابری طلب امروز، خواهان رهایی کامل از تمام اشکال ستم و استثمار، تبعیض و استبداد هست و در برابر سیستم متوحش سرمایه، بدیل زندگی آزاد و برابر را در

مهرداد مقیمی: خیزش اخیر در ایران را ناشی از خشونت که در طی چهل و اندی بر مردم ایران به خصوص بر زنان روا داشته شده میپندارند نظر شما چیست؟

شراره رضایی: بله، این خیزش نه تنها علیه چهل و اندی سال حاکمت جمهوری اسلامی بلکه به قیل تر از آن هم برمیگردد، ستم بر زن تنها اسیدپاشی و تبعیض جنسیتی نیست، بلکه حکومت های سرمایه داری با پروپاگاندای رسانه ای که در اختیار دارند، حقوق انسان ها را به حقوق حداقلی و مینی مالیستی تقلیل داده و حتی در قالب بسته های شیک و عامه پسند به جامعه تحمیل می کنند.

در ایران، جنبش برای آزادی و برابری تاریخ طولانی دارد. ببینید تاریخ تحمیل ستم و نابرابری، سرکوب و بهره کشی و کلا بی حقوقی بر جامعه و بخصوص بر زنان عمری به درازی عمر حکومت ها در این جغرافیا دارد، که نزدیکترین این تاریخ سراسر تبعیض و تعرض و خشونت دوره پهلوی و جمهوری اسلامی هستش که در فرم شعبان بی مخ ها، ساواک، شکنجه گاه ها و امروزه در اشکال نیروهای انتظامی تا گشت ارشاد و بسیجی و اطلاعات و سپاه و مزدورهایش قد علم کردند. خانواده ها و کودکانی که از سیستان و بلوچستان، خاش، تا کردستان و تهران در کل این تاریخ ها، حلبی نشین و کارتن خواب و قبر خواب هستند و بسیاری از این کودکان حتی شناسنامه ندارند و از تحصیل محرومند. اگر خشونت را بخوایم معنی کنیم به ابعاد بسیار وسیعی از تعرض سیستماتیک به زندگی، جان و سفره و خانواده و همه چیز این انسانها باید بپردازیم که گفتیم یک دنیا مسائل را در بر می گیرد که هر روزه با اشکال متفاوتی از خشونت، علیه مردم، از جانب سیستم تغییر فرم می دهد و باز تولید میشود.

این اعتراضات از اولین اعتراض سال 57 در 8 مارس علیه تحمیل "حجاب اجباری"

حکومت هست و ناآگاهانه روی دست های آلوده به خون حاکمیت، آب میریزد. خشونت، زاده سیستم هست و در تقابل با خشونت حاکمیت، مردم به درست، دست به ابزار قهری و دفاعی میبرند. جواب گلوله و ریختن خون عزیز و فرزند، مسلما دادن گل و شیرینی به جلاّد و جانی نمی تواند باشد.

مه‌آفاق مقیمی: چگونه بر علیه خشونت باید مبارزه کرد؟

شراره رضائی: نمی شود بر علیه خشونت مبارزه کرد مگر اینکه کل حکومت ها خلع سلاح بشوند. این مردم نیستند که عامل تولید خشونت هستند، بلکه این حکومت ها هستند که اسلحه و پول و تمام سلاح های سرکوب دستشان است. اگر کسی بخواهد با خشونت مبارزه کند باید بگوید ارادل و اوباش حکومتی با هر عنوان از جمله سپاه، بسیج، گشت ارشاد و نیروهای سرکوبگر، که به مردم وحشیانه حمله می کنند و میزنند و می کشند جمع بشود. عوامل سرکوب حراست از دانشگاه ها برچیده بشود. زندانیان سیاسی از جمله معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان که امروز به جرم حق طلبی در زندان ها زیر شکنجه و اعدام هستند آزاد بشوند.

اگر کسی می خواهد در دنیای سیاهی که سیستم های سرمایه نه تنها به ایران بلکه به کل خاورمیانه با بوی خون و باروت تحمیل کرده از عدم خشونت بگوید، باید عامل خشونت را از معادله حذف کند و در دنیایی زیبایی روماننیک، حاکم و محکوم بر سر میز مذاکره بنشینند.

اگر کسی خشونت نمی خواهد باید بخواهد تمامی نیروهای مسلح و جنایتکار از خیابان ها و شهر ها و محل زندگی مردم جمع بشوند و به داخل حصارهاشون برگردند و هینطور سران حکومتی که آمران و عاملان اصلی خشونت و جنایت ها هستند را تحویل دادگاه های عادل مردمی بدهند تا محاکمه بشوند. اگر کسی فرض گرفته حاکمیتی در این دنیا، آن هم از مدل دیکتاتوری ش، چنین قواعد انسانی را رعایت میکند پس مشکل کل مردم دنیا نه تنها در ایران بلکه سیاهان در آمریکا تا مردم لبنان، چین، افغانستان، عراق و لیبی و همه جا، به خیر و خوشی تمام می شد.

خشونت محصول ماشین سرکوب و کشتار هست، پیدا کردن صاحب این ماشین خشونت هم کار سختی نیست، پس در جواب به کسانی که علیه خشونت هستند که کاری بسیار اومانستی و زیبایی هست، فقط می توانم بگویم برای مبارزه علیه خشونت لنز دیدتان را روی مردم نگیرید بلکه رو به عامل ایجاد خشونت، که حکومت ها هستند، بچرخانید تا بلکه بتوانید راهکار واقعی را پیدا کنید./

شراره رضائی: این تئوری از بنیاد ایراد دارد. فرد یا عده ای که این حرف رو می زنند، یا سیستم تا دندان مسلح و سرکوبگر رو نمی شناسند یا بی تعارف خودشان را زدند به نفهمیدن! ببینید خشونت زاده ی مطالبه خواهی مردم نیست بلکه برعکس، در تقابل با بیان مطالبه این حاکمیت است که خشونت را می آفریند. عامل خشونت را ابتدا سیستم و حکومت ها هستند که به میدان می آورند، مردم که اسلحه و باتوم و سلاح های جنگی دستشان نیست بلکه این حکومت است که با تمام امکانات و ماشین سرکوبگری به مردم حمله کرده.

این مردم در برابر هر نوع سیستمی از گذشته تا امروز با طرح خواست و مطالبه شان با ابزار های متداول از اعتصاب و گفتگو و مذاکره با کارفرما تا پیکت و قطعنامه و ... دانشجویان با نام اعتراضات صنفی دانشجویی، زنان با برگزاری جلساتی در مناسبت های مختلف روزهای جهانی با نوشتن قطعنامه ها، خواهان مطالبات برحق و انسانی شان شدند. مردم چهل و اندی سال متمدانه حتی بخشی از اصلاح طلبان که توهم این را داشتند این حکومت با گفتگو و مذاکره، اصلاح پذیر هست ما دیدیم که پاسخ هر مطالبه و اعتراض صنفی و متمدانه، از سوی حکومت جز زندان، شکنجه و اعدام و سرکوب چیز دیگری نبود.

حکومت بیش از 50 کودک را در این اعتراضات کشت. من سوال می کنم از این عده ای که نسخه ی پرهیز از خشونت را برای مردم می پیچند، آیا کیان پیرفلک کودک 10 ساله برای حکومت خطرناک بود و خشونت اعمال کرده بود که اینطور وحشیانه این کودک و خانواده ش را به گلوله بستند. آیا مردم زاهدان و خاش که در نماز جمعه اونهارا به گلوله بستند، دست به خشونت زده بودند؟! مردمی که در شاهچراغ کشته شدند چه کی اونهارا به گلوله بست و چه کسی خشونت کرد؟!.

امروز نوجوانان 14 و 15 ساله تحلیلی که از جامعه می دهند و خواست هاشان را مطرح میکنند از یک جوان اروپایی، بسیار رادیکال تر و پیشرو تر هست. حتما فیلم سارینا اسماعیل زاده جوان 16 ساله ای که توسط مزدوان سرکوبگر کشته شد دیدید، می گوید من از یک دختر همسن و سال خودم در اروپا چی کم دارم که باید از همه چیز محروم باشم و در بخشی از حرف هاش می گوید مردم حتی نان ندارند بخورند. مگه تو سال 96 جواب مردم که گفتند ما "آب" می خوایم، گلوله نبود. کسی که نسخه ی عدم خشونت را برای مردم می پیچد. یا واقعا جامعه ی ایران را نمی شناسه و یا جانبدار

و بورژوازی ایران "زن" را بعنوان "ابژه جنسی" و یک موجود بی دست و پا و خانه نشین و یا موجودی برای زایش بچه می خواست به جامعه معرفی کند. حضور شجاعانه ی زنان در چهره ی های لیدری در این اعتراضات بود که مرزهای این تفکرات پوسیده و ارتجاعی را درهم شکست. و تا همین الان هم، اعتراضات دستاوردهای بشدت رادیکال و ماکسیمالیستی را داشته و ادامه خواهد داد، از برچیدن تفرقه افکنی با نام قوم پرستی و عرب و کورد و فارس و ...، زنان چادری که دیوارنویسی می کنند و شعار می دهند: "باروسری، بی روسری، دیکتاتوری باید بری"، عملا حجاب به شکلی دوفاکتو در جامعه لغو شده، دانش آموزانی که جسورانه عکس های خمینی و خامنه ای رو لگدمال و پاره می کنند و در خیابان ها شعار می دهند، دانشجویانی که دیوار ارتجاع تفکیک جنسیتی در سلف های غذاخوری را برداشتند و دختران و پسران دانشجو در کنار هم و پشت و حامی هم هستند. اینها دستاوردهای بشدت رادیکال و سوسیالیستی هست که دیگر هرگز جامعه ی امروز ایران قابل مقایسه با 60 روز قبل نیست و هیچ حاکمیتی نمی تواند نقشه طالبانیزه کردن چنین جامعه ای را در سر بپرورند و ما می بینیم با گذشت 60 روز، شعله های این خیزش انقلابی، نه تنها کمتر نشده بلکه هر روز وسعت بیشتری پیدا میکند و حتی روستاهایی که تا امروز اسمی از این روستاها نشنیده بود به خیابون ها آمدند، در شهرهای بیشتری کسبه و بازاریان، اقدام به بستن مغازه ها و مشارکت در اعتصابات کردند. حضور قدرتمند جوانان که بیشترشان از قشر محروم و کارگری و ستم دیده جامعه هستند را هر روز پررنگتر می بینیم و حتی کارگران بخشهای کلیدی کم کم دارند با بالغ تر و مشخص شدن خط و خطوط و خواست هایی رادیکال تر در تقویت مبارزه جوانانش، شاهد حضور اعتصابات کارگری بیشتری خواهیم بود و همین امروز کارگران ایران تابر دست به اعتراض زدند. و هرچه دامنه ی و ابعاد این خیزش انقلابی بیشتر می شود ما مشارکت جدی تر مردم را می بینیم و اگرچه حاکمیت با هارت و پورت های توخالی مدعی میشود که فردا همه چیز به روال عادی برمیگردد، اما هر روز و هر لحظه، مردم آزاده ایران به حاکمیت ثابت میکنند که دیگر از این ستون به هیچ ستونی برای بقای عمر ننگین ش، فرجی باقی نمانده است.

مه‌آفاق مقیمی: در اعتراضات اخیر گاهای درگیری بین آزادیخواهان و سرکوبگران ایجاد شده و عده یی نسخه پرهیز از خشونت را برای آزادیخواهان می پیچند نظر شما چیست؟

امروز تعدادی از زنان افغان در کابل، در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی محو خشونت علیه زنان، دست به تظاهرات زدند.

این زنان شجاع که شعارهای «زن، زندگی، همبستگی»، «بدون شرکت فعال زنان هیچ جامعه‌ای پیشرفت نمی‌تواند!»، «تا آخر برای حقوق خود می‌رزمیم و تسلیم نمی‌شویم!» «و... را با خود حمل می‌کردند، در اولین دقایق توسط طالبان سرکوب شدند. پلیس استخبارات طالبان تعدادی از این زنان را بازداشت کرد. بعضی رسانه‌های محلی ساعاتی بعد از انتشار این خبر، به دستور طالبان خبر را بدون هیچگونه تذکر از سایت‌های خبری شان حذف کردند. گروه وحشی طالبان روز تا روز زنان افغانستان را سرکوب میکنند و از حقوق اولیه شان محروم مینمایند. بیاید در کنار زنان کشور بایستیم و از مبارزه آنان حمایت نماییم.



دومین سال متوالی است که زنان افغانستان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» را در زیر سلطه گروه طالبان، می‌گذرانند.

سال گذشته زمانی که ۲۵ نوامبر فرا رسید، تازه سه ماه و ۱۰ روز از تسلط گروه طالبان بر افغانستان گذشته بود و هنوز این گروه بسیاری از سیاست‌های زن ستیزانه خود را اعلام نکرده بودند. امسال، اما ۲۵ نوامبر در حالی فرا رسیده است که گروه طالبان دستکم ۴۰ فرمان علیه زنان افغانستان صادر کرده است و محکمه صحرایی و شلاق زدن زنان در استادیوم‌های ورزشی، بار دیگر تکرار شده است. دفتر هیأت معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) در اعلامیه‌ای که به مناسبت روز جهانی محو خشونت علیه زنان صادر کرده است گفته که از تابستان سال ۲۰۲۱ میلادی بسیاری از حقوق اساسی زنان افغانستان محدود و یا لغو شده است.



18 نوامبر، مقابل پارلمان نروژ، همایش در حمایت از زندانیان سیاسی و جنبش ژینا، زن، زندگی، آزادی گزارش تصویری از فریبا رشیدی



"توضیحی کوتاه در مورد تجاوز در زندان های سیاسی؛ شکنجه جنسی و تجاوز سیاسی دکتر نور ایمان قهاری

مسئله مهم دیگر این است که، نقشی که باورها، ایدئولوژی و هویت سیاسی در پروسه ی مقابله با و بهبود جانبدارندگان از این شکنجه بازی میکنند، این مسئله را برای ما ضروری می سازد که ما وقتی در مورد تجاوز در زندان های سیاسی، و امروز در زندان های جمهوری اسلامی حرف می زنیم از اصطلاح تجاوز سیاسی استفاده کنیم. جان بدر بردگان از تجاوز سیاسی عمدتاً احساس میکنند که بخاطر تعلق به تفکر یا گروه های ویژه ای از جامعه هدف تجاوز واقع شده اند و نه تنها بخاطر زن بودن، که در موارد تجاوزهای غیر سیاسی ممکن است قابل بحث باشد.



نیاید فراموش کرد که در زندان های سیاسی مردان هم مورد تجاوز واقع می شوند و اینکه تجاوز به مردان بندرت فاش میشود و در حقیقت نوعی شکنجه فراموش شده است. تحقیقات و تجربه ی درمانی نشان میدهند که مقاومت باورنکردنی برخی از جانبدارندگان در مقابل شکنجه های طاقت فرسا در چارچوب سیاسی، و قدرت بازسازی آنان را می شود تا حدودی بوسیله باورهایشان مبنی بر عدم اعتماد و امنیت نسبت به دولت، و همچنین قابل پیشبینی بودن دستگیری و شکنجه شان توضیح داد. یعنی ایدئولوژی سیاسی و سیستم باوری ممکن است نقش حفاظتی را برای جانبدارندگان از شکنجه بازی کنند.

این به این معنی نیست که جان بدر بردگان از شکنجه، شکنجه ی جنسی و تجاوز سیاسی متحمل ضربات هولناکی نمی شوند. درحقیقت، بسیاری از جان بدر بردگان از شکنجه، شکنجه ی جنسی و تجاوز سیاسی

وارد مبارزه شده اند؛ پس تجاوز سیاسی برای مغلوب کردن فرد و بازداری نه تنها او بلکه تمام جامعه از ادامه به مبارزه، و با هدف به تسلیم در آوردن دائمی کل جامعه انجام می گیرد. یکی از عواملی که تجاوزسیاسی را پیچیده تر میکند حیطة فرهنگی ای است که این عمل در چارچوب آن اتفاق می افتد. چگونگی نگاه ما به نقش و هویت زن و مرد میتواند در نوع برخورد فرد و اطرافیان او به این واقعه ی فاجعه بار و تأثیراتش نقش بازی کند. بنابراین می بایست فراموش نکرد که:

1. اساساً تجاوز جنسی عملی نیست که برای بردن لذت جنسی انجام می شود، بلکه تهاجم خشونت آمیزی برای کنترل و تسلط بر فرد قربانی است.
2. تجاوز سیاسی برای شکستن فرد با هدف کنترل تمامیت جامعه اعمال می شود

<https://youtu.be/z2PIe8S32ZA?t=2119>

فاجعه تجاوزهایی که در زندان های جمهوری اسلامی در حال وقوع هستند، عملکرد افراد مرضی نیستند که موقعیتی را به دست آورده اند تا به تمایلات جنسی خودشان پاسخ دهند. آنچه که در زندان ها در حال وقوع است پیشینه ی درازی دارد و در همه ی جوامع تحت سلطه بسیار رایج و بنا به موقعیت سیاسی هر جامعه و بافت فرهنگی آن، به اشکال متفاوتی اعمال می شود. به تجاوزی که در زندان های سیاسی اعمال می شوند "تجاوز سیاسی" می گوئیم. تجاوز سیاسی عملکرد یک سیستم سرکوبگر است که برای حفظ قدرت و منافع خویش به هر جنایتی دست میزند. تجاوز سیاسی، یک شکنجه سیاسی هدفمند و سیستماتیک است که در چارچوب نقض حقوق بشر انجام می گیرد، و برای کنترل، تنبیه، و تحقیر افرادی به کار برده میشود که علیه ستم

عوارض روانی و جسمانی بیساری را تجربه می کنند که مراقب و درمان ویژه ای را می طلبد.

. Political torture and rape in the prisons of the Islamic Republic. First, it's very important to emphasize that the tragedy of rapes in the prisons of the Islamic Republic of Iran are not the function of sick individuals seeing opportunities to fulfill their sexual needs. What's happening in these prisons has a long history and is very common in all societies under oppressive regimes. Rapes that take place in political prisons are called "political rape." Political rape is the function of a repressive system that commits any crime to maintain its power and interests. Political rape is a planned and systematic political torture that is carried out in the context of human rights violations. It's used to control, punish, and humiliate people who fight against oppression, and to defeat the individual and prevent, not only them but the whole society from continuing to fight; its aim is to bring the whole society into permanent submission.

"زن، زندگی، آزادی" جنبش آزادیبخش ادامه ص 2 طبقاتی بپا خاسته اند و تنها خواهان بر کناری حکومت دیکتاتوری شده اند. بطور حتم و یقین، پیروزی با مردم ایران است و جمهوری ننگین اسلامی دیر زمانی است که مرده است. از همان روزی که سرکوب همه جانبه خود را با تعرض به حقوق زنان و تبعیض و جنایت همه جانبه علیه آنان آغاز کرده بود و به مدت بیش از چهار دهه هر نوع حمله به موقعیت زنان و دختران را پیش در آمد سرکوب های همه جانبه تری در جامعه نمود. بنا بر این جای شگفتی نیست که شرکت وسیع و تعیین کننده ی زنان و دختران در خیزش آزادیخواهی اخیر، پس از چهل و چهار سال جنگ روزمره و تن به تن با حکومت زن ستیز و مستبد حاکم، شاخص پایان عمر این رژیم گردد و مردم ایران، معیار آزادی خود را در " آزادی زنان " مطالبه کند.

از سوی دیگر، زنان و دختران مبارز و جوانان دلیر و شجاع که امروز خیابان های شهرهای ایران را فتح کرده اند، سرنوشت مبارزه را نیز به کف گرفته اند و دیگر دست هر نیروئی که به سمت آنان دراز شود را نخواهند فشرد. چهار دهه تجربه با حکومت فاسد و جنایتکار مذهبی با جناح های مختلف آن بویژه آزمون بیش از ده سال وعده های پوچ اصلاح طلبان حکومتی و سیاست بازی های حامیان آنها در اپوزیسیون این موضوع را ثابت نمود که از اساس همه باطل اند و باید بروند.

و از سوی دیگر، هر چند نسل جدید رویداد تلخ و فاجعه بار سال 57 را تجربه نکرده است اما آموزه های گرانبهای آن از یک سوهمراه با رشد اجتماعی و سیاسی با بالا رفتن سطح آگاهی زنان و دختران و از سوی دیگر در قدرت قرار گرفتن رژیم مستبد اسلامی که همه تلاشش تبدیل زن به نیمه انسان بوده، شکل گرفته است که ماحصل آن امروز نسلی را با خود به همراه دارد که از مبارزه مداوم و روزمره برای دست یابی به برابری در حقوق فردی و کسب آزادی، لحظه ای از پای ننشسته است. امروز که انقلاب 1401 مردم ایران به عنوان یک جنبش پر خروش و باشکوه در جریان است با پشت سر گذاشتن ممنوعیت ها و خط قرمزها، چه قانونی و چه عرفی یا مذهبی، تنها با اتحاد و همبستگی سراسری است که می تواند مهر ابطال به 44 سال حکومت دیکتاتوری استبداد اسلامی باشد. در مبارزه ای بی امان و تعطیل ناپذیر که کل نظام فاسد حاکم را مورد هدف قرار داده اند.

اگرچه قتل عمد مهسا (زینا) امینی به دلیل بد حجابی انگیزه ای شد تا ظلم و ستم مضاعف جنیستی و طبقاتی چند دهه بر زنان به شکل حرکتی انقلابی و پر قدرت خود را نشان دهد، اما این جنبش را باید در همان چار چوب مطالبات و خواسته های بنیادی زنان دید و بررسی نمود و نمی توان تنها به حجاب زنان، آن را تقلیل داد. سرکوب و پایمال نمودن حقوق زنان و توهین به کرامت انسانی آنان در طول عمر ننگین این حکومت فاسد و جنایتکار اسلامی در تضاد قهر آمیزی با خیزش " زن، زندگی، آزادی" خود را در عرصه سیاست نشان داده است. / "به امید آزادی ایران"

عروج مجدد جنبش دانشجویی، پرتوان و پر خروش ... ادامه ص 5 صدای یک جریان، یک جریان متفاوت و جریان انقلابی در دانشگاه منعکس را کند، جریانی هرچند در آن روز ها توسط رسانه هایی چه در داخل ایران چه در خارج از ایران بایکوت میشد. ثابت شد که در این روز ها همان کلام انقلاب همان حرف ها که خیلی ها از شنیدنش کحیر میزدند اعتصاب و انقلاب و ... همان حرف هاست که الان لق لقه زبان کسانی شده که در جریان اصلی حضور دارند.

مینو همتی: در آن زمان تلاش ما و شما این بود که جنبش رهائی زن، جنبش دانشجویی و جنبش کارگری را بهم پیوند زنیم. بنظر میرسد در این برهه از زمان بذری که در آن زمان در دل این جنبشها کاشته شد میوه داده است. نظر شما چیست؟
کاوه عباسیان: من موضوع را جنبشی و تاریخی نگاه میکنم. خیلی فکر نمیکنم دقیقا کارهایی که ما انجام دادیم نتیجه اش اینه بلکه خودمان هم را نتیجه یک تاریخ و یک جنبش در قبل از ما میبینم، جنبش چپ، جنبش سوسیالیستی چند دهه قبل نه تنها در ایران بلکه در خارج از ایران در نتیجه اتفاقاتی که در دانشگاه میبینیم ادامه یک جنبش چپ میبینم من نمیگویم تک تک دانشجویان که الان دارن مبارزه میکنند، آرمان سوسیالیستی داشته باشند، این آرمان انقلابی جنبش انقلابی برای عبور از جمهوری اسلامی که نمایان این جنبش از جنبش چپ شروع شد در دانشگاه ها و الان هم دانشجویها آگاه هستند مثلا دانشگاه هنر در دانشکده موسیقی سرود خلق متعهد سروده و باز خوانی کردند که این تاریخ دارد، برمیگردد، که در شیلی ابتدای دهه 70 خوانده میشد و تبدیل به موسیقی جنبشی جهان شد. امروز بازخوانی اش کردند با ترجمیند برپاخیز برای زن، زندگی، آزادی و این سرود را در دانشگاه، خودشان خواندند و سرود هایی که این روز ها داره خوانده میشد بلاچاو در واقع این نشان دهنده این هست که جنبش داخل ایران جنبش انقلابی دارد پیوند خود با جنبش های تاریخ قرن 20 وصل میکند و روی این موضوع باید تاکید داشت. صرفا نباید جنبش دانشجویی امروز و زاینده رسانه ها یا لیدری هایی که تازه سردرآوردند را صرفا برای اتفاقات دهه 80 دانست و بلکه باید اینرا نتیجه دهه ها مبارزه انقلابی در ایران در جنبش دانشجویی دانست.

مینو همتی: تفاوت‌های این نسل از دانشجویان را با نسل قبلی در چه مبینید؟ پایان تاریخ مصرف منادیان اصلاح پذیری این گنبدیده ترین نظام تاریخ ایران، چه نقشی در رادیکالتر شدن نظری و عملی دانشجویان داشته است؟

کاوه عباسیان: بله این هم موضوع مهمی هستی چونکه دانش آموزان نقش مهمی را ایفا کردند هفته های اول اعتراضات فقط در کف خیابان بود و حاکمیت توانست با یک کشتار وسیعی این اعتراضات را در خیابان خفه کند، اولین جایی بعد از دانشگاه بود و دنباله اعتراضات را گرفتند، دانش آموزان بودند، دانش آموزان دختر و پسر در مدارس خودشان این شعله جنبش انقلابی را زنده نگه داشتند و با شعار دادن، آتش زدن روسری، کندن عکس های خامنه ای و خمینی از اول صفحه کتاب هایشان، در دیوار مدرسه و با شعار دادن در بیرون از مدرسه موفق شدند شعله انقلاب را زنده نگه دارند. بعد از چند روز خفقان نسبی در خیابان جنبش انقلابی به خیابان برگشت و بعد به بازاریان، کارخانه جات، کارگران، راننده ها و... کشیده شد، که نقش بسیار مهمی داشته و چند روز پیش مراسم 13 آبان در مدرسه شعار مرگ بر آمریکا میدادند و دانش آموزان در جواب شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدادند و در دوره ما جنبش دانش آموزی وجود نداشت. در سالهای دهه 80 در سطح دانش آموزان جنبشی وجود نداشت. فعالیت سیاسی نبود و این صحنه یادآور سال 57 که دانش آموزان وارد عرصه سیاسی و سیاست ورزی در آن دوران میشدند، انقلابی در آن سال ها میشود و به نظر من نشانه های امید در جنبش دانش آموزی این سال ها هست.

این روز ها خیلی باب شده ادبیاتی که دارد استفاده میشود، و تقلیل میدهند به یک نسلی که آمده که دیگه سازش گر نیست و دیجیتالی هستند، خود به خود انقلابی هستند، چون دهه 80 هستند، طومار جمهوری اسلامی را در هم بیچند. من خودم با اینجور نگاه و تحلیل مخالفم چون هم تقلیل گرایانه است و تاریخ را نگاه نمیکند و اتفاقی که جلوی چشمش دارد میافتد را نگاه میکند. اولاً در خیابان نسل های دیگه هم وجود دارند. خب همین دهه 80 ها بچه های همین نسل قبل هستند این تربیت نسل های قبلی است تا این حد در نسل دهه 80 تاثیر گذاشته.

ولی در واقع در تاریخ جنبش انقلابی دانشجویی، دانش آموزان عبور از اصلاحات وجود نداشت همین بچه های ده 80 هم به همان اشتباهات و سازش کاری هایی متهم میشدند که دهه های قبلی شدند در واقع تجربه 2 دهه اعتراضی قبل در ایران که باعث میشه که این دهه بر اساس تجربه های قبل، دیگه امیدی به اصلاحات و آقایان بالاسر و چانه زنی از بالا نداشته باشند و بتوانند تصمیم نهایی بگیرند که سرنوشت شان را به دست خودشان رقم بزنند. از این نظر به نظر من در عین حال که من درود میفرستم به جوانان انقلابی در خیابان، در کارخانه ها، دانشگاه ها و مدارس حضور دارند ولی باز به نظر من باید موضوع را تاریخی و جنبشی هم دید.

مینو همتی: جنبش دانشجویی کنونی با اینکه در بطن جنبش انقلابی همگانی، گامهای استواری را برمیدارد و بتداوم مبارزه تا رسیدن به تغییرات بنیادی میپردازد. نیازمند پیوستن هرچه بیشتر و سریعتر استادان به صف مردم و برای عبور جامعه از تونل زمان و بازگشت به قرن بیست و یکم میباشد. شما پیامتان به استادان چیست.

کاوه عباسیان: در جمهوری اسلامی برای تبدیل شدن به استاد دانشگاه شدن باید از هفت خوان رستم رد بشوید، گزینش ها، فیلترینگ های بسیار زیادی دارد و در واقع بسیاری از کسانی که احتمال داشته باشد که اصلاً هم گام با اعتراضات به صورت خود به خودی نمیتوانند از این فیلتر ها رد بشوند، خیلی ها مجبور به خروج از کشور میشوند خیلی ها/

کادر درمان، قهرمانان مبارزه با کرونا، مورد هجوم ... ادامه ص 8 لازم، برای مراقبت از بیمار مخصوصاً در موارد اورژانسی به سختی شرایط کار کاردرمانی افزایش یابد. و با توجه به محدودیت های مختلف از طرف نیروهای انتظامی و دولت جمهوری اسلامی برای خدمات رساندن به مجروحین این اعتراضات خیابانی، کمک مردم بسیار مهم و حیاتی می باشد. ضرورت دارد که معترضین، اقدامات محافظتاز خود را در این شرایط به حداکثر ممکن برسانند تا از مجروح شدن شان جلوگیری شود، و مردم با فراگیری اقدامات اولیه و نحوه مراقبت است این مجروحین در ساعات اولیه را به خوبی یاد بگیرند تا بتوانند در این شرایط حساس به کادر درمانی کمک کند.

مینو همتی: با توجه به میثاق های بین المللی و اتحادیه های صنفی کادر درمانی در کشورهای جهان، آیا جلب حمایت عملی و فشار خبر جمهوری اسلامی در این زمینه در دستور کار درمانی ایرانی مقیم خارج از کشور هست؟

پروانه عظیمی: متخصصین و کادر درمانی، انجمن پزشکان، دندانپزشکان، پرستاران، داروسازان ایرانی مقیم در خارج از کشور، از ابتدای خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی، حمایت کرده با برگزاری تظاهرات و راهپیمایی ها، چندین پتیشن تهیه و به نامه نگاری به دفاتر نهاد های بین المللی مانند سازمان ملل و یونیسف اقدام کرده اند تا توجه آنها را به استفاده نظامی و امنیتی از نمادها و ابزارهای درمانی جلب کنند، اگرچه هنوز پاسخ مشخصی از این نهادها به این اقدامات و نامه نگاری ها داده نشده ولی آنها همچنان مصمم به پیگیری و حتی تجمع و حضور، مقابل دفاتر نهادهای مذکور در تورنتو، نیویورک و کشورهای اروپایی بوده اند.

لازم به ذکر است نویسندگان این نامه ها و پتیشن ها با بیان اینکه مردم معترض ایران با جان خود برای آزادی و رفاه می جنگند، تاکید کردند که دیکتاتوری وحشیانه جمهوری اسلامی را محکوم می کنند.

لازم به ذکر است سرکوب گسترده پرستاران، پزشکان در ایران بازتاب گسترده ای در جهان داشته است و به حدی بوده است که جمعی از کادر درمان ایرانیان ساکن در آلمان مقابل وزارت امور خارجه آلمان در برلین تجمع کردند، تا صدای پزشکان، پرستاران و کادر درمانی ایران را به گوش جهانیان برسانند، و تا شاید نهادهای بین المللی از خواب غفلت بیدار شوند و برای حمایت از پزشکان و پرستاران ایرانی اقدامی کنند.

مینو همتی: مطلع هستیم که تعداد پزشکان، روانپزشکان، روانپزشکان مقیم خارج به یاری رساندن از راه دور مشغولند، در این مورد اگر اطلاعاتی دارید بفرمایید

پروانه عظیمی: تعدادی از پزشکان، روانپزشکان، پرستاران، داروسازان، و بقیه متخصصین کاردرمانی شروع به تهیه و پخش کلیپ های آموزشی برای درمان جراحات، و آسیب های ناشی از روشهای گوناگون خشونت که موجب صدمات حاصل توسط حمله نیروهای امنیتی به معترضان شده را تهیه کرده و در رسانه های عمومی منتشر کرده اند، به امید اینکه با استفاده از امکانات موجود و این آموزش ها و با حمایت مردم، کمکی برای نجات جان و حفظ سلامت معترضان و مصدومین بوده باشد/

«امید سرکش است... ادامه ص 10 و همجنسگرایان و مارکسیست‌ها سرکوب و اعدام شدند. بیشتر از هر چیز، جوانان عصبانی بودند. جان آنها در گروگان چنگ آهنین رژیم اسلامی بود. به طور قابل پیش بینی، رژیم برای سرکوب اعتراضاتی که به سرعت شروع و وارد عمل شد، تقریباً 2000 معترض، عمدتاً جوانان را قتل عام کرد. دنیا در سکوت نظاره گر بود، لابی‌ها، لابی کردند و ایرانی‌ها شکست دیگری را متحمل شدند. از دست دادن امیدی دیگر.

و این مرا به سال 2022 می‌رساند. رژیم پشت درهای بسته بحث می‌کرد که چه کسی جانشین منصوب بعدی رهبر بیمار آیت الله خامنه‌ای خواهد بود. آیا این پسر اوست که پس از کنار گذاشته شدن جنبش اصلاح طلبان در سال 2009، به شبه نظامیان بسیجی دستور داد تا به طرز وحشیانه‌ای معترضان را سرکوب کنند؟ یا رئیس جمهور آراسته رئیسی است که هزاران نفر از مخالفان را به عنوان رئیس سابق قوه قضائیه و هیئت مرگ محاکمه و اعدام کرد؟ یک انتخاب سخت برای رژیم، اما هر دو گزینه برای مردم ایران وحشتناک.

ناگهان در جریان یک گشت معمولی فاشیستی در خیابان‌ها توسط پلیس اخلاق حکومتی، یک زن جوان کرد به نام ژینا مهسا امینی در حالی که در تعطیلات خود در تهران به سر می‌برد به دلیل «زیاد نشان دادن مو» (از زیر حجابش، دستگیر و به مقر گشت ارشاد منتقل شد. در واقع همه چیز در مورد دستگیری یک رویه استاندارد بود، از ضربات پلیس به سر او تا عدم شفافیت رژیم در مورد مرگ او در بیمارستان 3 روز بعد. حتی دستگیری دو خبرنگاری که ماجرای مرگ او را بررسی و افشا کردند، رویه استاندارد رژیم بود. با این حال، هر آنچه که به دنبال آن بود، دیگر عادی نبود.

جمهوری اسلامی در طول تاریخ توانسته است مردم کرد را از بقیه نقاط ایران، شیطان جلوه دهد و منزوی کند و در نتیجه خشونت سیستماتیک علیه آنها مرتکب شود. دلیل عمده این امر این است که کردها از زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی در سال 1979، صدای عظیم مخالفت و سنگر مقاومت علیه رژیم اسلامی بوده‌اند. زمانی که قتل مهسا امینی رخ داد، برای اولین بار، فریاد عدالت خواهی کردها به گوش رسید. و بانگ آزادی تقریباً از دیوارهای همه شهرهای ایران طنین انداز شد. خشم 43 سال آزار جنسی، فساد و سرکوب سیاسی خیابان‌های بیش از 200 شهر ایران را فراگرفت. زنان و دخترانی که قبلاً زندگی ترسناک، آسیب دیده و تا حد زیادی تحت فشار داشتند، به این مناسبت برخاستند. اگر زندگی مهسا اینگونه هزینه شد، زندگی آنها هم همینطور میشود. دیگر تحمل بس بود.

لابی‌های قدرتمند، دست نامرئی رژیم اسلامی در خارج از کشور، هر چه تلاش کردند، این بار نتوانستند صدای اعتراض مردم ایران را خاموش کنند. آنها نتوانستند فریادهای مردم برای تغییر را صرفاً به عنوان درخواست اصلاحات، یا در نتیجه تحریم‌های اقتصادی سخت، مانند گذشته منحرف کنند. خواسته‌های مردم فضای اتاقها را پر می‌کرد و نفس را در سینه‌ها حبس می‌کرد - همانطور که حقیقت اغلب انجام می‌دهد. رژیم در همه جبهه‌ها غافلگیر شده بود. شورش‌هایی که آنها همیشه سعی می‌کردند با محکم کردن کنترل خود بر جامعه اجتناب کنند، کاملاً نتیجه معکوس داشت.

و این ما را به لحظه حال می‌رساند. یک لحظه افراط و تفریط یک وحشت روزانه و الهام بخش. ایرانی‌هایی که برخی از آن‌ها هرگز تصور نمی‌کردند در عمر خود پایانی برای جمهوری اسلامی ببینند، یا به‌طور قابل توجهی از چرخه چند دهه امید و ناامیدی رها شده بودند، دیگر نمی‌توانند از آن دوری کنند. در این لحظه، تغییر نه تنها اجتناب ناپذیر، بلکه قریب الوقوع احساس می‌شود. قابل لمس، آزادی‌ای که دختران و جوانان ایرانی برای اولین بار در رژیم اسلامی ابراز می‌کنند، به همان اندازه که ما در خارج از کشور شاهد آن هستیم، به مقاومت دوباره انرژی می‌بخشد. این حتی الهام بخش ایرانیان بیشتری است که به خیابان‌ها بروند تا به اعتراضات ضد رژیم بپیوندند، علیرغم پیامدهای واقعی که ممکن است با آن مواجه شوند. به نظر می‌رسد اتفاق نظر این است که صرف نظر از خشونت فیزیکی یا جنسی که در هنگام اعتراض و یا در زندان و بازداشت تحمل میشود، هیچ کدام با خشونت روزمره زندگی تحت جمهوری اسلامی قابل مقایسه نیست. و نه خشونتی که در انتظار آنهاست، اگر در این مبارزه برای آزادی شکست بخورند.

صادقانه بگویم، اینبار شکست دیگر گزینه‌ای برای مردم ایران نیست. به نظر می‌رسد انقلاب تنها راه پیش رو است. برای اولین بار پس از 43 سال، مردم ایران و ما در خارج از کشور آن را می‌شناسیم. در نهایت، جهان نیز شروع به تشخیص آن می‌کند. دست در آسمان، توسط توده‌های کلاهدوس و ماسک برچهره که شعارهای «مهسا»، «زن، زندگی، آزادی» و «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دهند، بگور می‌رود. طلسم رژیم اسلامی بر مخاطبان مترقی غربی در حال شکسته شدن است. روایت محافظه کارانه مبنی بر اینکه جنگ افروزی می‌تواند خاورمیانه را آزاد کند نیز به حق در حال شکسته شدن است. به نظر می‌رسد همه ما اعتراف می‌کنیم که کلید آزادی ایران تنها در دست ایرانیان است - با حمایت جامعه جهانی. پشتوانه‌ای که به نظر می‌رسد استوار نگاه می‌کند و دیگر توجیحی برای خشونت جمهوری اسلامی نمی‌آورد، زیرا مردم آن را رسوا می‌کنند. ، برای اولین بار در 43 سال، حمایتی که شبیه مسئولیت پذیری است.

و این درک، نتیجه مستقیم این است که ایرانیان در داخل ایران با انگیزه باقی می‌مانند و در خیابان‌ها هستند، در حالی که ایرانیان خارج بر تقویت صدای خود متمرکز می‌شوند. به همین دلیل است که ما فیلم‌ها و مطالب آموزشی را بی وقفه بازنشر می‌کنیم و به صورت هفتگی در اعتراضات جهانی حاضر می‌شویم. به همین دلیل است که حتی برای استراحت هم نمی‌ایستیم. زیرا برای اولین بار پس از 43 سال، امیدواریم و مصمم هستیم که به این امید حق داشته باشیم. برای اولین بار، ما شاهد یک جنبش سکولار و به رهبری زنان برای آزادی در ایران هستیم. آزادی‌ای که می‌دانیم در سراسر جهان طنین انداز خواهد شد و الهام بخش جنبش‌های بیشتری برای برابری خواهد بود. به نقل از شعاری از اولین تظاهرات توده‌ای زنان ایرانی در 17 اسفند 1357 - سالی که جمهوری اسلامی به قدرت رسید و حجاب را اجباری کرد، «آزادی نه متعلق به شرق است و نه غرب. آزادی متعلق به همه ماست. «بالاخره اسب‌های وحشی لیاقت آزاد بودن را دارند.»



گزارش سی‌ان‌ان از «شکنجه و خشونت جنسی» معترضان بازداشت‌شده در ایران

شبکه سی‌ان‌ان روز دوشنبه در گزارشی تحقیقی نیروهای جمهوری اسلامی را به خشونت و آزار جنسی معترضان ایرانی در بازداشتگاه‌ها متهم کرد.

به گزارش رسانه‌ها، نویسندگان این گزارش می‌گویند گزارش‌های متعددی از خشونت جنسی علیه معترضان در ایران دریافت کرده و روایت‌های بسیاری از این قربانیان خشونت جنسی را شنیده‌اند که دست‌کم یک مورد آن شرح تجاوز به پسر نوجوان است و یک قربانی دیگر نیز به شدت مجروح شده.

سی‌ان‌ان همچنین به نقل از منابع مطلع که با قربانیان گفت‌وگو کرده‌اند، نوشته که ماموران جمهوری اسلامی از برخی صحنه‌های خشونت جنسی فیلم تهیه کرده و آن را به ابزاری برای باج‌گیری و ساکت کردن معترضان تبدیل کرده‌اند. مقامات ایرانی به درخواست سی‌ان‌ان برای پاسخ‌گویی به این اتهامات جوابی ندادند.

این گزارش از جمله به پرونده دختر جوان ۲۰ ساله‌ای به اسم آرمینا عباسی، ساکن کرج، می‌پردازد که به‌خاطر نوشته‌های اعتراضی خود علیه جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی بازداشت شد و دولت ایران در اطلاعیه‌ای مدعی شده که او یکی از «رهبران اغتشاشات» (اعتراضات) است و پلیس «۱۰ کوکتل مولوتف» از آپارتمانش کشف کرده.

سی‌ان‌ان می‌نویسد که از این اطلاعیه چنین برمی‌آید که قوه قضاییه ایران مجازات سختی برای این دختر ۲۰ ساله در نظر گرفته اما این اطلاعیه در عین حال با هدف تکذیب مدارک افشاشده‌ای در اینستاگرام بوده که سر و صدا به پا کرده است. این مدارک شامل مکالمات میان پزشکان در سرویس پیام خصوصی اینستاگرام می‌شود که حاکی از آن است نیروهای امنیتی ایران خانم عباسی را تحت شکنجه و خشونت جنسی قرار داده‌اند.

طبق مدارکی که از بیمارستان امام علی در کرج درز کرده است، او روز ۲۵ مهر به همراه افسران لباس شخصی به این بیمارستان برده می‌شود در حالی که موهایش تراشیده شده بود و به شدت نیز می‌لرزید. پزشکان در مکالمه افشا شده خود از وحشتی حرف زده‌اند که با دیدن نشانه‌های تجاوز احساس کرده‌اند. یک منبع مطلع در بیمارستان امام علی در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان صحت این مدارک را تایید کرده است.

#آرمینا_عباسی هم‌اکنون در زندان فردیس نگهداری می‌شود. سی‌ان‌ان می‌نویسد که نتوانسته با او یا اعضای خانواده وی صحبت کند.

این گزارش از جمله صحبت‌های دختر جوانی دیگری را بازتاب داده که به خاطر امنیت وی از او با اسم مستعار هانا یاد شده است. هانا از شهروندان کرد ایران است و در سن ۲۰ سالگی خود به‌سر می‌برد. او می‌گوید زمانی که در بازداشت پلیس بوده مورد خشونت جنسی قرار گرفته و چند روز پس از آن توانسته است که از طریق کوه‌های مرز عراق از کشور بگریزد.



بر اساس این گزارش، ماموران پلیس در بازداشت به او گفته‌اند، ویدیویی دیده‌اند که او را در حال آتش زدن روسری خود نشان می‌دهد. هانا بیست و چهار ساعت در بازداشتگاه ارومیه به‌سر برده و می‌گوید که حدود سی تا چهل زن دیگر نیز آنجا بودند به همراه چند پسر که همگی آنها در جریان اعتراضات بازداشت شده بودند، از جمله پسر بچه‌های سیزده چهارده ساله.

به گفته هانا، پسرها به شدت ضرب و شتم شدند، اما ضرب و شتم دختران از آنها نیز شدیدتر بود و سپس ماموران جمهوری اسلامی آنها را تحت آزار جنسی قرار دادند.

او می‌گوید، آنجا یک سالن اصلی بود به همراه اتاق خصوصی بازجویی؛ یکی از افسران دختر زیبایی را به تنهایی با خود به آن اتاق برد و به او تعرض جنسی کرد.

سی‌ان‌ان می‌گوید که با توجه به روایت هانا و اظهارات شاهدان توانسته موقعیت جغرافیایی آن بازداشتگاه را پیدا کند و این بازداشتگاه در محله اسلام‌آباد ارومیه واقع است.

این رسانه می‌افزاید بیشتر گزارش‌هایی که دریافت کرده مربوط به غرب ایران و نواحی کردنشین است. سی‌ان‌ان در طول تحقیقات خود با منابع متعددی صحبت کرده از جمله گروه‌های مدافع حقوق بشر مرتبط با کردها و فعالانی که با معترضان بازداشت‌شده در ارتباط بوده‌اند.

ایران از اواخر شهریور ماه به دنبال جان باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد صحنه اعتراضات سراسری بوده که با خشونت و سرکوب نیروهای حکومتی مواجه شده است.

بر اساس گزارش پایگاه حقوق بشری هرانا، ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران شمار کشته‌شدگان اعتراضات سراسری ایران تا روز یکشنبه بیست و نهم آبان به دست‌کم ۴۱۹ تن رسیده است. سازمان حقوق بشر ایران نیز تعداد کشته‌شدگان اعتراضات سراسری تا روز شنبه بیست و هشتم آبان را دست‌کم ۳۷۸ تن عنوان کرده است. [#حکومت تجاوز شکنجه مرگت فرا رسیده](#)

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پندیده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

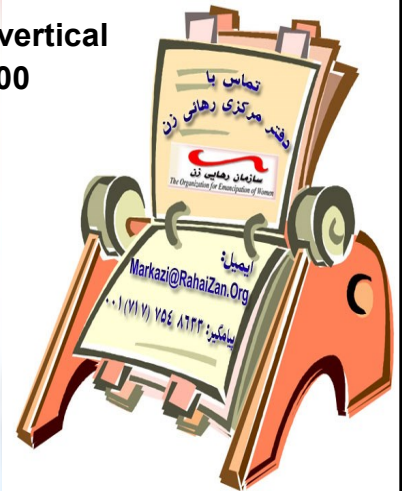
HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

Pol V

FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: minohemati@gmail.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzeaei.p@gmail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com